



سازمان کارگران انقلابی ایران - تهران

پیام کارگر

شماره

۵۰

شماره مسلسل ۶۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه اول شهریور ۱۳۶۸



جلاد ننگت باد! دهم شهریورماه سالروز کشتار زندانیان سیاسی

اعلامیه کمیته مرکزی

در صفحه ۲

بیدار شو، نوبت توست

۴۴ روز پس از ترور جنا بیگانه را نه دکتر قاسملو و همراهایش دروین توسط تروریست های جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۶ اوت در "لارناکا" شهر بندری قبرس بهمین جوادی معروف به غلام کشتار و زبکیسی از مسئولین حزب کمونیست ایران در خارج از کشور ساعت ۹ عصر در حالیکه همراه ما دروا فرادی چند از خانواده اش بطرف هتل محل اقامت خود میرفت، مورد حمله دوتن از تروریست های حرفه ای رژیم قرار گرفت و پس از چند ساعت در بیمارستان شهیدشد. یکی از همراهان وی نیز بشدت زخمی شد که حالش چندان رضایتبخش نیست!

در صفحه ۲

در این شماره

- راهپیمایی فرانکفورت
- در اعتراض به ترور غلام کشاورز
- تحولات جدید در لهستان
- بوریس یلتزین، فراکسیون رادیکالها را معرفی می کند
- حفظ محیط زیست:
- برای نجات سیاره زمین

پای صحبت پرویز قلیچ خانی

در صفحه ۴

تظاهرات وسیع در تهران

اطلاعه مطبوعاتی

حکومت اسلامی تظاهرات روز شهدا را در تهران سرکوب کرد

سناست ۱۰ شهریور سالروز آغاز کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، تظاهرات وسیعی در تهران از جانب خانواده شهدا و زندانیان سیاسی ایران سرگزار گردید. انبوه جمعیت کد از تهران و شهرستانهای مختلف برای این مراسم در گورستان خاوران گرد آمده بودند برای تحن در دادگستری سمت مرکز شهر راهپیمایی کردند. مزدوران مسلح حکومت اسلامی در فاصله بین گورستان خاوران و محله افسریه به راهپیمایان حمله کرده و به ضرب و شتم آنها پرداختند و حدود چند صد نفر را دستگیر نموده به شکنجه گاه ها کشاندند که تا این تاریخ از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

سرکوب حرکت خانواده های شهدا و اسرای سیاسی چهره بلید حکومت اسلامی را بیش از هر زمان عریان کرد و سندن زنده دیگری از نقض هر گونه حقوق انسانی را در ایران بنمایش گذارد. ما از همه مردم آزادیخواه و نیروهای مترقی و مجامع بین المللی می خواهیم که تا با حمایت قاطع از حقوق مردم و زندانیان سیاسی ایران ضمن اعتراض به سرکوب اخیر خواستار آزادی - فوری دستگیرشدگان این تظاهرات شوند.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳ شهریورماه ۱۳۶۸

۴ سپتامبر ۱۹۸۹

در صفحه ۳

مارات خویل خواهند داد

استرداد، جان ۸۰۰ پناهنده ایرانی را در ترکیه تهدید می کند

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

از صفحه ۱

بیدار شو

نوبت توست!

خبر خیلی روشن رسیده است. در طول یک ماه و اندی اپوزیسیون مبارز کشورمان سه تن از رهبران و فعالین برجسته خود را از دست داده است. بدون اینکه اقدامی واقعاً جدی و بیگیرانه در مقابل آنها نباشد. نقشه‌های شوم رژیم انجام داده باشد.

ما قبلاً نیز بارها هشدار دادیم که تا کی... جانشینان خمینی برفتنی بفرستند. قتل سلمان رشیدی اسمرزند و موشدید سیاست تروریسم دولتی. ادا می دهندگان راه خمینی خواهد بود. از این روشی سازمانهای انقلابی، مترقی، رهبران آنها و شخصیت های اپوزیسیون مترقی را بعنوان مدافعان آزادی دعوت کردیم، تا با ایجا دکمبشه های ضد تروریسم رژیم، اقدامات و تدابیر جدی مقابل آنها را مشترکاً اتخاذ کنیم. تروریسم دولتی ها رژیم اسلامی بیسن این با آن مخالف خودتفاوتی قائل نخواهد شد، اگر حیات و فعالیت او را مضر رژیم تکبیت با رخسود بداند. مقابل آنها نیز نه تنها وظیفه این یا آن جریان سیاسی، بلکه سرعهده همه طرفداران آزادی و اپوزیسیون رژیم است. روشن است که در این میان نیروهای انقلابی بعنوان مدافعان پیگیر آزادی و تحول انقلابی بنفع مردم ستمدیده کشورمان و وظیفه سنگینتری را برعهده دارند. نباید اجازه داد، همچنانکه در اقدامات ضد جنگ، حمایت از زندانیان سیاسی و مقابل آنها قتل عام آنها نشا هد بودیم، گرایشات فرقه ای محدودکننده دامنه اقدامات دفاعی، خود را در مقابل بله بلتروریسم جمهوری اسلامی نیز تحمیل کنند. رژیم همزمان با تصمیم به تصفیه کامل زندانها از انقلابیون و رهبران طبیعی جنبش، سیاست تصفیه رهبران آن در خارج از کشور را نیز اتخاذ کرده است. تازه ترین جنایت تروریستی در قبرس علیه اپوزیسیون در خارج درست در آستانه سالگرد آغاز قتل عام جمعی دهها هزار زندانی سیاسی در دهم شهریور سال قبل صورت می پذیرد. قتل عام زندانیان در داخل کشور و تروریسم و فعالین سازمان و فعالین سازمانهای سیاسی در خارج سیاست بهیم پیوسته ای هستند که رژیم برای نابودی و از بین بردن نیروهای مخالف خود در پیش گرفته است. قتل عام جوانان و تروریسم رژیم تنها زمانی قطع خواهد شد که آنها سرنگون سازیم، ما قبل از آن نیز سازماندهی مقاومت توده ای و وارد کردن ضربه به آن در داخل و اقدامات دفاعی گسترده و افتخارانه در خارج، میتوان ابعاد تعرض فاشیستی او را محدود کرد. راه مقابل جدی و مسئولانه با رژیم همچنانکه در داخل، در خارج نیز در درجه اول به همکاری نیروها و عناصر هوادار آزادی و رهائی بیگمبستگی دارد. باید با ایجا دیک کارزار وسیع، جلب همکاری توده پنهانکن و مهاجرین ایرانی و همبستگی مردم و نیروهای هوادار



اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت

سالگرد آغاز قتل عام زندانیان سیاسی

یک سال از آغاز قتل عام بیسابقه زندانیان سیاسی در ایران میگذرد.

هنوز یک ماه از بار عام خمینی جلاد به قتیان معتمش و صدور فرمان قتل عام زندانیان سیاسی تا دهه فجر حکومت اسلام نگذشته بود که هجوم مغولوار کار کشتگان قتل و حیایت به زندانیان آغاز شد. جنون خویریزی نقیای دیگر تاب کنترل از آنها ربوده بود. هرگز اسلام نیاید و ولایت فقیه را نپذیرد، اعلامی است. هرگز جیبین نساید و آزادی و خویشتنش را به حراج بازار قتیان نهد، اعلامی است. هرگز در انتظار عموم توبه نکند و در نمایش عمومی سیمای جمهوری اسلامی، به پای تمال امام، فحجه نزند و استغفار نکند، اعلامی است.

اما به هر زندان، به هر کلام شرف و آبروی انسان، آزادگانی بودند انبوه انبوه، که دیری به یک دستشان عشق بود و بویک دستشان جان. این آزادگان و این در خشانترین نمونههای رمزنگی و آرمانخواهی انسان که هرگز سر سازش با مغفورترین دشمنان مردشان نبوده، جان را بدانند تا عشقشان به رنگی برتر و به رهائی و سروری لگد کوب شکنان جاودانه بماند.

اعلام هر زندانی سیاسی، خانوادهای را به خویش آورد؛ مئی سترگ و طولانی از نالندنگان شیردل ساخت که قتها را در اجرای کامل نقضی شومشان به ترمید و عقب نشینی واداشت. اعدام ها متوقف شد اما، نایغ دل ناغداران تازیانه خورده از ستم سرمایه و فتنه، نه سرد شده است و نه سرد خواهد شد، همانگونه که هر چند امام جباران و فرمانده اصلی این قتل عام، فرد و والی دیگر، ستم رهبری قتیان را گرفت اما ادبار و تیره ریزی و کشتار و سرکوب و حشیانه نه کم شده است و نه کم خواهد شد.

صت بکار باید شد. هنوز بسیاری دلاورانی در زندانها که قتها از وحشت خویش مردم، از اعلامشان برهنیز میکنند. هنوز لبی تیز ساظر و هنوز تازیانه بلند شکجه بر فراز سر زندانیان بی دفاع در زندانهای سراسر کشور سایه افکنده است. حرمت یاد آن عزیزان و دلاوران جان نده، و نیز لزیم همسرانی سرود آزادی زندانیان سیاسی، ایجاب میکند که از هر طریق ممکن به دفاع یک پارچه و سراسری از آنها برخیزیم و آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی را به آزادی مشترک و همگانی تبدیل سازیم! خانوادههای شهن و زندانیان سیاسی!

ای فاتدنگان استبداد سیاه رژیم جمهوری اسلامی! با همه توان خود به افشای جنایات عالمی که بر شما رفت، برخیزید. صفوف خود را قشرهتر سازید، مراسم بزرگداشت عزیزان از دست رفته را هر چه با شکوه تر برگزار کنید، از هیبت استبدادی تان در پشت صف بر شوکت عزیزان اعلام شده، ارگان استبداد به لیزه بر خواهد آمد!

کارگران، رجمکنان و مردم آزاده ایران!

از طریق هماهنگی تلاشهای خود، جنبش عمومی دفاع از زندانیان سیاسی را به حرکت در آورید. همه مشتبهای گره زده باید متحداً بر دیوار سیاه استبداد فرود آید. برای رهائی از زندان جنبش جمهوری اسلامی، قدم بر همه باید درهای زندانها گشوده شود و زندانیان سیاسی آزاد گردند. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، کلیه احزاب، سازمانها، گروهها، نهادهای بین المللی و شخصیت های آزادیخواه را فرامی خواند تا بر طریق ممکن به افشای این جنایت عظیم تند بشری اقدام نموده و کارزار گستردهای برای دفاع از جان زندانیان سیاسی بر پا دارند.

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اول شهریور ۱۳۶۸

مزبور، بیوزها تریش و همچنین سوبس که اخبار دوتن از جاسوسان رژیم: آزاد کرد، قشار آورسم. ما با اظهارت صمیمی و همدردی با خانواده و رفقای غلام کشاورز، مدین وسیله فراخوان ۴۰ روز پیش خود (بعبارت زور و کثرت قسطو) را برای اقدامات مشترک دفاعی تکرار می کنیم. باید بیدار شد، فردا نوبت توست!

با پیام کارگر همکاری کنید!

آزادی در کشورهای اروپائی، جایی که رژیم با استنادها از مکانات وسیع دیپلماتیک، ترورهای خود را سازمان میدهد، به دولت های غربی فشار آوریم تا محدودیت های برای مدور تروریسم ایجاد گردد. بر خوردی طرفانه و بیرحمانه مغرکات سه دولتهای اروپائی با رژیم، وارد اقدامات خودجری ترمیکند. شایده بتوان به قوت گفت که اگر دولت اتریش تروریست های قاتل دکتر قاسملو را آزاد نمیکرد، جنایت جدیداً تفنق نمی افتاد. باید با طرح خواست تعطیل کردن مراکز تروریستی رژیم در خارج، تحریم اقتصادی و... و جلب نظر نیروهای مترقی در این کشورها به این شعارها، به دولتهای

ماراتحویل خواهند داد

عقوبین الملل :

۷ ایرانی بعد از اخراج از ترکیه

در ماکو اعدام شدند

عقوبین الملل در بیانیته‌ها در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۸۹ اعلام کرد که دولت ترکیه یک گروه ۹ نفره از ایرانی‌ها را که در ترکیه توسط کمیسیون ریای پناهندگان ملل متحد بعنوان پناهنده شناخته شده بودند را به پاسداران مرزی ایران در تاریخ ۲۶ یا ۲۷ نوامبر تحویل داده و از این میان ۷ نفر در ماکو کتیربسا ران شده و ۲ نفر دیگر در بازداشت بمر می‌برند. عقوبین الملل ضمن اعلام این خبر و یادآوری اعلامیه قبلی خود در مورد بازگشت دادن این گروه، یکبار دیگر ترکیه را کشورنا امن برای ایرانیان نامیده است. ایسین جنایت حکومت فقها که به دستباری دولت جنایتکار ترکیه صورت می‌گیرد خطر مردمی را که در کمیسیون همه پناهندگان ایرانی مقیم ترکیه است هر چه بیشتر مورد تاخت و کید قرار می‌دهد. همه ایرانیان و نیروهای سیاسی وظیفه دارند که بیاری هموطنان خود که بنساز برگزارش مندرج در همین شماره پیام ماکو رگرمورد تهدید قرار دارند بر خیزند.

راهپیمائی فرانکفورت

در اعتراض به ترور غلام کشاورز

در اعتراض به ترور جنایتکارانه غلام کشاورز عضو حزب کمونیست ایران در لارناکا پایتخت قبرس و به دعوت این حزب تظاهراتی روز شنبه اول سپتامبر در فرانکفورت برگزار گردید. تظاهرکنندگان، خشمگین از اقدام تروریستی رژیم فاشیست مقابل کنسولگری رژیم اسلامی رژیم فرانکفورت رفته و با فریاد مرگ بر رژیم تروریست، سونگون باد جمهوری اسلامی ایران انزجار و کینه خود را نسبت به حکومت اسلامی نشان دادند. رفقای ما فعالان در ایسین تظاهرات شرکت کرده همراه با حمل پلاکاردها و شعارهای سازمان، اعلامیه کمیته مرکزی در محکومیت این ترور ریختن کردند. در این تظاهرات نزدیک به ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند.

مراسم چهلمین روز شهادت دکتر قاسملو

شنبه ۱۹ اوت مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو و قادی آذربایجان شرکت نمایندگان و هواداران متعددی دیگر سازمانهای ایرانی و کرد عراقی برگزار گردید. ابراهیم احمد عضو هیئت سیاسی و مظهر شافعی یکی از فعالین حزب، پیرامون شخصیت دکتر قاسملو سخنرانی کردند. یک شاعر کرد تعدادی از اشعار خود را خواند که مورد استقبال جمعیت قرار گرفت. در بخش دوم مراسم بزرگداشت یک فیلم ویدیویی از زندگی و مشقاتی که کردها با آن گریبانگیر شدند، نشان داده شد. در خلال برنامه‌ها، نمایندگان برخی از سازمانهای کرد عراقی و سازمانهای ایرانی پیامهای خود را به همین مناسبت خواندند.

متأسفانه به پیام سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) واچاندن و پیام یک جریان دمکراتیک تحت عنوان جمعی از ایرانیان مقیم انگلیس که ترور دکتر قاسملو و همراهش را محکوم کرده بودند، بدلیل اینکه مذاکره با جمهوری اسلامی را نیز توهم دانسته و آنرا مردود و محکوم شمرده بود نسبتب اجازه خوانده شدن، توسط گردانندگان مراسم داده نشد.

از ماه‌ها قبل، مرتب اخبار وضعیت ناهنجار زندگی و شرایط امنیتی پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه را که تعداد آنان سربسته‌ها از می‌زند، برای اطلاع و هشدار به افکار عمومی سایر پناهندگان ایرانی در اروپا و آمریکا... در پیام کارگر درج کردیم، تا بلکه بتوان با اعتراض و فشار به مجامع بین المللی از گسترش ابعاد فاجعه جلوگیری کرد. حالاً متأسفانه فاجعه در حال رخ دادن است. اخبار موثق حاکی از قرار دادهای تحویل پناهندگان در ابعاد بسیار توده‌ای و گسترده است. سازمان ملل نیز در این میان با هر دو دولت در این زمینه در حال همکاری است! تنها امید به کارزار اعتراضی پناهندگان ایرانی در کشورهای اروپایی و بسیج افکار عمومی بشردوستان جهان بستگی پیدا کرده است. قتل عام زندانیان سیاسی، ترور فعالین سیاسی در خارج و تحویل گرفتن پناهندگان سیاسی سمبخت متصل بهم نقشه‌ی جمهوری اسلامی برای نابودی و یا تضعیف ایوژیسیون است. با تمام توان در هر سه عرصه و در ارتباط با هم مقاومت و اعتراض را گسترش دهیم! نامه‌ای را که از ترکیه در این رابطه برای پیام کارگر ارسال شده است می‌خوانید.

نامه‌ای از ترکیه در مورد موقعیت بسیار خطرناک کنونی پناهندگان ایرانی

اما امروز این شایعه تبدیل به تعیین شد. امروز صبح سازمان ملل به تمام دفاتر و قرارگاه‌های پلیس ترکیه تلفن کرده و گفته است: تا سه ماه دیگر هیچ پناهنده‌ای نباید در شهرها باقی بماند. حال معلوم نیست، پناهندگان سیاسی هم جزو این عده هستند یا نه. مثلاً در شهر کنیا حدود ۲۰ پناهنده است که از طرف کشور کانادا قبول شده‌اند و حدود ۲۰ نفر دیگر هنوز مباحثه دوم را انجام داده‌اند و حدود ۲۵ نفر دیگر در سازمان ملل قبول شده‌اند ولی به هیئت داده نشده‌اند. مابقی که فکر کنم ۱۵ نفر باشند مردوده شده‌اند. طبق شواهدی گفت سازمان ملل تمام پناهندگان را در بر می‌گیرد. در شهرهای دیگر نیز وضع به همین منوال است. حال با این اوضاع شواضع را از لحاظ روحی و وجودی خطر تحویل در کنگرینکه پناهندگان چه موقعیتی دارند.

تنها امیدیه که در بر این است که رفقای با کمک دیگر سازمانها و نهادهای دمکراتیک، در اروپا به کشورهای پناهنده پذیر و دفاتر سازمان ملل فشار آورده و این مسئله را در سطحی وسیع مطرح کنند. اگر بتوانند آگهی‌هایی در رابطه با وضع پناهندگان و خطر مستر کردن آنها به جمهوری اسلامی توسط دولت ترکیه و مطرح کردن وضع اسفناک زندگی پناهندگان و حمایت از آنان راه بیندازند. بدانیکه بی تاثیر نخواهد بود.

بار دیگر یادآوری می‌کنم که تنها امید ما، شمارفا و دیگر سازمانها و تشکلات انقلابی و دمکراتیک هستند. تقاضا داریم مارا در این امر مهم یاری کنید.

... ترکیه

۸۹/۸/۸

تشکل‌های دمکراتیک در سوئد و هلند از پناهندگان ترکیه دفاع می‌کنند

موقت حمایت از آوارگان و پناهندگان ایرانی در ترکیه - ویژه میز کتاب گوتنبرگ ۳ - جمعی از نیروهای سیاسی مترقی ایرانیان - هلند

فراخوان به اعتصاب غذا در اعتراض به اخراج پناهندگان ایرانی در ترکیه اقدام بعدی کمیته موقت حمایت از آوارگان و پناهندگان ایرانی در ترکیه ویژه میز کتاب گوتنبرگ است که در تاریخ ۲۱ اوت شروع خواهد شد.

به همین مناسبت و همزمان با سالگرد آغاز قتل عام زندانیان سیاسی در ایران و روز جهانی صلح کمیته دفاع از پناهندگان گوتنبرگ (آسیل کمیته)، کنسرتی را با دعوت از شوان هنرمند محبوب خلق کرد و خلقهای منطقه برگزار خواهد کرد. تسلابدن وسیله افکار عمومی را برای حمایت از پناهندگان و در دفاع از زندانیان سیاسی برانگیزد.

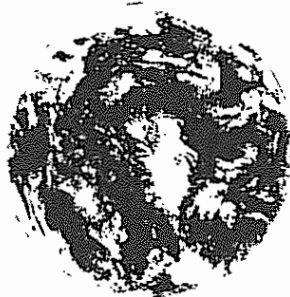
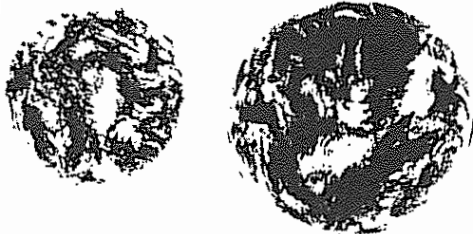
" با سلامهای گرم، رفق بدون مقدمه در رابطه با وضعیت پناهندگان و دستورالعمل اخیر سازمان ملل در رابطه با پناهندگان می‌نویسم "

از حدود آماه قبل شایع شده که حقوق پناهندگان مردود، قطع میشود و بعد از یکماه در شهر کنیا شفر حقوقشان قطع شد. قبل از آن دستورالعمل قطع حقوق، شوراها بی در شهرهای مختلف ترکیه تشکیل شد تا بتوانند در کتیربایی در جهت کمک به حل مسئله پناهندگان و آوارگان انجام دهند. بعد از مدتی این شوراها در یک کنفرانس کمیته هماهنگی موقت شوراها پناهندگی ترکیه را تشکیل دادند که روی مسائل عام ناهندگان و حل آن مسائل حرکتیایی انجام دهند. تا حدودی نیز در بعضی موارد مثل باز شدن پرونده‌ها و به جریان انداختن و مطرح کردن مسائل در رابطه با آشکار کردن افکار عمومی ترکیه و خارج از ترکیه را شروع کردند.

کمیته هماهنگی فشار اصلی را روی مسئله تضمین امنیست پناهندگان و پذیرش پناهندگان و اعزام قبول شدگان گذاشت. این فعالیتها ادامه داشت تا اینکه دوهفته قبل، عده‌ای از پناهندگان عراقی را به عراق بازگرداندند و بعد معلوم شد که سازمان ملل با دولت عراق مذاکره کرده و با گرفتن تضمین از دولت عراق آنها را به کشورشان عودت داده است. در طی این دوهفته باز شایع شده که پناهندگان ایرانی خصوصاً ۹۰ کیس سربازی را شاید دیپورت کنند. این شایعه با درج همین خبر در روزنامه " بوگون " (امروز) قوت پیدا کرد. همین خبر را رادایو اسرائیل نیز طی گزارشی اعلام نمود.

پس انتشار اخبار بسیار نگران کننده در مورد شرایط امنیتی پناهندگان ایرانی در ترکیه که در این زمینه بیانیته‌ها مطالبات و اعلامیه‌های کمیته موقت هماهنگی شوراها ترکیه بسیار موثر بوده‌اند (این مطالبات در پیام کارگر ۴۹ درج شده است) در شهرهای استکهلم و گوتنبرگ گسود و همچنین در شهر آمستردام هلند، جمعیتها و تشکل‌های دمکراتیک با انجام حرکتیایی به دفاع از پناهندگان ترکیه و به اعتراض به خطرا خلسنراج ۸۰۰ پناهنده پراختند. آنها با ترجمه اسناد منتشر شده اخیر در مورد وضعیت و خواستهای پناهندگان ایرانی در ترکیه و ارسال آنها به دفتر امنیستی و صلیب سرخ جهانی اقدامات خود را آغاز کردند.

اسناد ترجمه و تنظیم شده امضای زیر را با خود داشته: ۱- کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی - استکهلم ۲- کمیته



حفظ محیط زیست :

برای نجات سیاره زمین برای نجات بشریت

قابل حل می باشند. توجه به نکته فوق از اسن رو ضرورت دارد که امروزه نمیتوان و بنا بدیه یک تلقی ساده و بیهوشی از مسئله محیط زیست اکتفا کرد. تنها بی کنونی محیط زیست در سیاره زمین، محصول نوعی از توسعه اجتماعی و صنعتی و بنا بر این اساس محصول مناسبات اجتماعی معینی بوده و بر مبنای ساختاری سیاسی و نه فقط اکولوژیک بنا بد، زیرا هیچ یا سخ صرفا اکولوژیک نمیتوانند به فعالیت اقتصادی بشر اعمال اراده کنند.

وقتی که از نوعی از توسعه اجتماعی و صنعتی سخن میگوئیم قبل از همه توسعه سرمایه دارانه صنعتی نسبتا سریعی را مورد نظر داریم که بویژه در پنجاه سال گذشته، عامل اصلی بوجود آمدن وضع نگران کننده کنونی محیط زیست می باشد. افزایش سریع جمعیت زمین که با خود توسعه اقتصادی پر توانی را همراه کرده است، فشارهای سهمگینی به کلیه سیستمهای اکولوژیک زمین وارد نموده است. این فشار در شرایطی که توسعه اقتصادی به شیوه سرمایه دارانه تنها به کوتاهترین و مطمئنترین راه برای کسب سود می اندیشد، موجب شده است که جو زمین، جنگلها و گیاهان، آبها و آبزیان، رودخانهها و سایر آبهای سطح زمین، و... منحو بیما بقه ای در معرض تغییراتی قرار بگیرند که به انقراض حیات با راهی از انواع و حتی حیات بطور کلی میتواند منجر شود.

توسعه صنعتی با انکاء به استفا ده عظیم از انرژی - بویژه انرژی گرمائی و با استفاده ناکارآمد از منابع طبیعی و با تولید حجمی عظیم زباله های (فضولات) صنعتی و خانگی، به جنگ پیشرفته اجتماعی، به جنگ ادا ماحیات بشر آمده است. افزایش غول آسای مصرف انرژی ورها شدن گازهای سمی به ویژه دی اکسید کربن CO₂، از نظر بسیاری از متخصصین، گریه ترین مشکل اکولوژیک زمین است. زیرا افزایش حجم گاز مژبوردر طی ۸۰ سال گذشته (بسه مقدار تقریب به ۳۰٪) موجب افزایش درجه حرارت جو زمین شده است. اگر روند مژبورکنترل نشود و سه نحوی پیش رود که در دهه هشتاد پیش رفته است - در این دهه ۹٪ به حجم گاز مژبوردر جو زمین افزوده شده است - آنگاه ما تنها با تغییراتی کمی - ولسو سایر خطرناک - در آب و هوای زمین روبرو نخواهیم شد، بلکه تا بدیده ای که ۶۸ میلیون سال پیش روی داد، دوباره تکرار شود: آب شدن یخهای قطبسی و نابودی دایناسورها، اما اینبار نابودی تمسدن بشری - ادا مژبورکنونی گرم شدن آتمسفر زمین بویژه با سرعت فعلی، گرم شدن ناگزیر آب

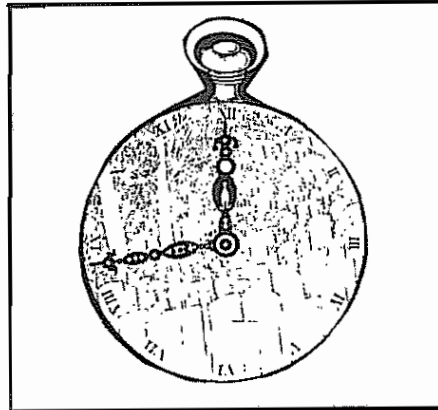
تبا هی محیط زیست به چه معناست و روندهای اساسی این تبا هی کدامند؟ پاسخ به این سوال با تمام پیچیدگی های ناگزیرش، نقطه شروع بحث ماست. تبا هی محیط زیست به مفهوم علمی کلمه عبارت است از به هم خوردن تعادل سیستمهای طبیعی و اکولوژیک کره زمین بخاطر دخالت انسان. این عدم تعادل، اما آن چیزی نیست که در طبیعت درسیک مقیاس معمول و عادی همواره رخ میدهد و بسا واکنش متنا سب و در هم تنیده سیستمها، دوباره عادی میشود. برعکس مقصود عدم تعالی غیر معمول، غیر طبیعی و تحمیلی است که توسط روندهای درونسی سیستمهای اکولوژیک نمیتوانند کنترل شده و سنا بر این سیستمها را به مرز فروپاشی رسانند. مثلا همه میدانیم که کاهش رطوبت و افزایش گرمای هوا میتواند بطور طبیعی به خشکسالی، کم شدن محصولات کشت و رزی، آتش سوزی جنگلها و عواقب مشابه دیگر منجر شود. این اما عدم تعادلی است که توسط نیروهای طبیعت در یک دور کوتاه با بلندقابل کنترل بوده و بالاخره روزی با عادی شدن میزان رطوبت، گرمای با رندگی و... اوضاع به وضع معمول و از نظر اکولوژیک غیر بحرانی باز میگردد. طوفانهای دریائی، گردبادهای موسمی آبنا نوسیا، طغیان رودخانهها و... و... جلگی نمیتوانند سنوان نمونه های مهم کنش و واکنش طبیعی سیستمها که از تعادل به تعادل جدیدی دست می ساسد معرفی شوند. ویژگی مهم بدیده های فوق و آنچه آنها را از عدم تعادل کنونی اکولوژی سیاره زمین متمایز میکند، این است که در روندهای فوق، دست نیروهای خارج از سیستمهای طبیعی زمین دگرا نیست. کنش و واکنش در هم رفته نیروهای مختلف طبیعت میتواند به طوفان، سیل، زلزله و... منجر شود و این مستقل از کارکرد عوامل خارجی - از جمله فعالیت های اقتصادی بشر - قابل تصورات.

تبا هی محیط زیست ناشی از دخالت عوامل خارجی در روندهای طبیعی - دخالتی زیان آور و تبا ه کننده - است. بنا بر این نباید تصور نمود که حفظ نظافت عادی محیط کار روزندگی، لزوما مترا داف حفاظت از محیط زیست است. مسئله به این سادگی نیست. طوفانهای دریائی در بنگلادش، خشکسالی در آفریقا و جنگل سوزیهای وسیع در پنج قاره، هیچ ربطی به نظافت معمول و لازم در محیط زیست بشر ندارند اما همگی جز مهمترین ماملی هستند که با تبا هی محیط زیست به معنی دقیق کلمه ارتباط داشته و تنها در جسترتلاشی همه جانبه و در مقیاس جهانی

اهمیت حفظ محیط زیست از دست اندازیهای بشر دیگر بر همگان آشکار شده و مطالبات مربوط به آن در برننامه های همه اجزای و نیروهای سیاسی منعکس است. افزایش اهمیت مسائل محیط زیست بجایابی اولویت های سیاسی را به همراه آورده و آغاز دوره ای را نوید میدهد که بشریت در کلیت خود به رویکردی محتاط تر، سنجیده تر و آگاهانه تر نسبت به طبیعت، قوانین و نیروهای آن خومیکنند جایابی اولویت های سیاسی که ناشی از شناخت اهمیت مسئله محیط زیست است با بدیهمراه خود یک سلسله تغییرات دنیا لهدار و جدی در همه زمینه های فعالیت اقتصادی را ضروری کند که اساسا دواقعی آنها هنوز کاملاً روشن نگشته اند، به علاوه صرف به رسمیت شناختن اهمیت بهبود محیط زیست کنونی و حتی رویکردی سنجیده تر نسبت به آن، الزاماً به معنی اتخاذ سیاست پیگیرانه ای در قبال آن نیست. شناخت مسئله محیط زیست برای کمونیستها، تنها ارضاء یک کنجکاو ی طبیعی در باره یک موضوع جنجالی روز نیست. این شناخت قبل از همه ناشی از نیاز فعالیت های عملی هر نیروی سیاسی جدی که ناگزیر با بد در قبال مسئله محیط زیست نیز اتخاذ موع کند، است. از این رودر گزارش سیاسی به دو مین کنفرانس سازمان خارج از کشور، در مورد مسئله محدا زیست اینطور اظهار نظر شده است: "موضوع حفاظت از محیط زیست که روز بروز به موازات رشد آگاهی نسبت به اهمیت این مسئله درجات بتسریع مطرح می شود، یکی از مطالباتسی است که با اهمیت فدا مبریا لیستی و دمکراتیک خود اقشار وسیعی را به میدان میکشاند. مبارزه در این راه آنچنان ناشی از داشته که دولتتهای امبریا لیستی که خود بیشترین نقش را در تخریب محیط زیست دارند به تکاپو داشته و بعضا وادار به ارائه شعارهای عوامفریبانه کرده است. "براستی نیز امروزه نمیتوان بعنوان کمونیست به فعالیت سیاسی مبارز و زید ما نسبت به نتایج یک قرن تخریب محیط زیست و تاثیرات سیاسی بلاواسطه آن بی اعتنا بود. کمونیستها در هر کشور با بد در مبارزه جنش حفظ محیط زیست موضع روشن خود را داشته و به عنوان جزمیمی از آن بیکار نگنند. چنین بیکاریمان مستلزم درک علمی و روشن مسئله تبا هی محیط زیست است، زیرا بدون شناختن روندهای کد دست در دست هم، سببا ره ما را به آنچنان بی سامانسی کشانده اند که خطر تهدید حیات خطری واقعی شده است، نمیتوان موضع اصولی در قبال مسائل جنش محیط زیست داشت و حتی در آن دخالت فعالانه ای نمود.



سخت فسیلی اساسا کاهش یافته است، هیچگونه علائمی از بهبودیما وجود ندارد، بلکه برعکس همه چیز شدت یافتن بیماری دلالت میکند!



تصویری که تاکنون طرح نمودیم بخوبی روشن میکند که مدلهای کنونی توسعه صنعتی - یعنی مدل سرما به دارا نه و به تبع در رقابت با آن مدل کنونی سوسیالیستی، اما سوبژه مدل سرما به دارا نه - اش خود به جنگ تمدن، توسعه اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت بشریت بطور کلی آمده اند. بارهای حتی بر این نظرند که اقتضای دنیای ممکن فعالیت اقتصادی در کره زمین را پشت سر گذاشته و به زیان دیگران کنونی مسئله بر سر توقف رشد اقتصادی و محدود کردن اساسی آن است. نظریه معتقد است که از این به بعد توسعه اقتصادی در تحلیل نهایی، خود غیر - اقتصادی و زیان آور خواهد بود. زیرا عواقب اکولوژیک ادا متهنای محیط زیست با سرعت کنونی موجب خواهد شد که هزینه های تولید افزایش فزاینده ملاحظه ای بسازند. این مسئله در مقیاس کوچکی هم اکنون در مورد نروگهای اتمی صدق میکند که اگر همه آنها بدلیل ایمنی انسانها بسته شوند، زیان عظیمی متوجه سرما به گذاران خواهد شد. اگر توجه کنیم که در کشورهای سوسیالیستی و در باره ای از کشورهای جهان سوم، تازه مرحله جدیدی از توسعه تعمیق یافته صنعتی شروع میشود آنگاه درمی یابیم که مسئله دست یافتن به شیوه عقلانی تری از توسعه صنعتی، از نقطه نظر حتی حفظ وضعیت فعلی محیط زیست زمین چه رسد به بهبود آن چقدر اهمیت دارد. این عقلانی کردن اما مرزهای معینی دارد که برای کمونیست ها دارای اهمیت سیاسی قابل ملاحظه ای است. اصلاح شیوه های کنونی توسعه اقتصادی بسا منافع توسعه امپریالیستی دارای تضادهای معینی است. به سخن دیگر، سرما به داری بر طبق منطق سوسیالیستی تحقق ارزش افزوده، حاضر است. از بارهای اقدامات زیان بار نیست به محیط زیست دست بردارد، حتی حاضر است با صرف نظر کردن از جزئی

از سود خود بیستف منافع بلند مدت تر، گامی نیز به پیش بگذارد و در هر لحظه از منطق سودا تباشت پیروی نکند، اما بسا دگی حاضر نیست مدل توسعه ای را بپذیرد. که سود را تابع ضرورت حفظ محیط زیست نمکند، سوما به

اقتیا نوسیا، ذوب بخشی از یخهای قطبین و بالا آمدن سطح آب اقیانوسها را بدنیال خواهد داشت. این اما تنها یک نتیجه فرعی است زیرا مهمتر از همه گرم شدن اتمسفر زمین سلاجبا ربه معنی کاهش اکسیژن موجود - سخنا بدلیل سماری و بانابودی جنگلیها - نیز بوده و این مسکنای خفگی ناشی از کمبود اکسیژن گازهای سمی و گرما است. هم اکنون باره ای از شهرهای بزرگ نظیر آتن، نیویورک و حتی تهران در فصل گرما، این خفگی را تجربه میکنند. بالا آمدن آب اقیانوسها و دریاها، آلودگی هوا و کاهش بارندگی در کناره های تنگه های موهشی را بنمایش میگذارد. شهرهای بزرگ ساحلی و مناطق ساحلی نیز در خطرند که زمانی تمدن از آنها جوانه زد و شکوفا شد، به زیر آب می روند، متروپلیهای بزرگ بعلت دود و گرما خفه میشوند، باران (اگر باران) باران اسیدی است که بنوبه خود به حیات گیاهان و جنگلیها لطمات جدی میزند. خشکالی های منظم تر باره ای از مناطق زمین و قبل از همه مناطقی که بطور عمده نیز به کامبود باران و با خشکالی روبرو هستند - و البته حتی در مناطق پر آب و باران خیز کره زمین - موجب میشود که نباتات گیاهان، آتش سوزی در جنگلیها، کاهش حجم منابع آب و... و... و در یک کلام نباتات بودی شرایط زیست بسیاری از جانداران بیش از پیش به تک و اقصیت غیر قابل انکار تبدیل شود. ملاحظه کن که یک دهه گذشته در آفریقا موجب سرعت یافتن پیشروی صحرا، نباتات بخش بزرگی از گیاهان باغات - مصرف حیوانات و نیز انسانها، از بین رفتن بسیاری از زمین های ساحلی و غیره شده. بدیهی است که چنین روندی میتواند در باره عواقب نگران کننده تری تکرار شود و این همه در حالی که آفریقایان قربانی سیاستی هستند که خود آنها در تعیین آن هیچ نقشی نداشته اند.

تغییرات در شیوه اتمسفر زمین، در هم ریختن اکولوژی اقیانوسها و قطبین، نباتات جنگلیها، کاهش بارندگی، پیشروی کویرها و غیره را بسا بدیده های عمومی تباهی محیط زیست نامند. تباهی آب و خاک و محیط زیست جانداران در شکل های مختلف و بسیار متنوع و با سرعتی سرما آمدن در حال پیشروی است. آنچه که به مسئله ابعا دنگران کننده تر مدها، این است که واکنش سیستمهای اکولوژیک در مقابل دخالت عوامل خارجی بخوبی شناخته شده نیستند و بنا بر این هیچکس بدرستی نمیتواند پیش بینی کند که در کدام مرحله قطعاً این یا آن واکنش صورت خواهد گرفت. این را آزمیزی نیروهای طبیعت که ممکن است سالها در مقابل دست اندازی عوامل خارجی سکوت کنند و بنا گاه پاسخ مناسب و پیش بینی نشده ای بدهند در پدیده بیماری جنگلیهای اروپا بخوبی بر حسته شده است. اکنون که اقدامات قابل ملاحظه برای حفاظت از جنگلیها صورت میگیرد، اکنون که غالب نیروگهای با سخت فسیلی به فیلترهای مخصوص مجهز میشوند و اکنون که مصرف

دارای تنها آنگاه به اذیت و ذوب پیگیرانه ای در حفظ محیط زیست روی خواهد آورد که آلودگی محیط زیست دیگر بلاحظه اقتصادی زیان بار باشد. این حقیقت مهم را در درک جایگاه جنبش حفظ محیط زیست یاری میرساند. این جنبش که پرچم در خواستی همگانی و برای کل بشریت را بدست گرفته است، اهم مهم تحمیل پیروی از ضرورت حفظ محیط زیست به امپریالیسم است. نیروهای پیشروتر این جنبش به اعتبار فعالیت افشاگرانه و بسیج گر خود که اساسا با اتکاء به دلائل علمی معتبر صورت میگیرند، و بسا با وارد شدن این حقیقت به توده مردم (و حتی بخشهای واقع گرای سوزواری) که زمان زیادی به وقوع بلاخطرافنا جمع نموده است، نقش مهمی را به عهده دارند. اینک بورژوازی امپریالیستی تا کجا در مقابل فشار جنبش محیط زیست ایستادگی کند و کی حاضر به پذیرفتن اینک خطری جدی بشریت را تدبیر میکند، بشود، امری است که آینه نشان خواهد داد. از طرف دیگر نمیتوان با فقط مبارزه و انتظار برای فروپاشی نظام امپریالیستی شادمان بودی روزمره محیط زیست بود چرا که ابعا دفا جمعه در حدی است که در چنین صورتی "نه از تاک نشان ما ندانند، از تاک نشان" بنا بر اساس موضع کمونیست ها مبارزه پیگیر و همه جانبه برای این امر خطیر است.



پای صحبت پرویز قلیچ خانی

"قلبیه عشق بچه‌های اعماق می‌تپد"



نوزده ساله بود که "مردسال فوتبال ایران" شد. وقتی خبر به گوش بچه‌های "بیابان زغالی" و بیابانهای "مترخان" و "یخچالی" های میدان خراسان و خیابان شهبا رسید... از خوشحالی "قند در دل آب کردند"، شادی هم داشت، قلدر مهربان محله شان که میان خاکپا و سنگلاخهای همین بیابان ها و یخچالی‌ها بالیده بود، در میان آن همه نامهای پراوازه و سرشناس آنروزی ورزش میهنمان، آن هم در نوزده سالگی مرد سال فوتبال ایران شده بود. شادی‌های قشنگ آرام نگرفتند، چرا که پرویز هم آرام نمی‌گرفت.

دیری نپاشتیکه آوازه‌ی پرویز از مرزهای میهنمان گذشت آنگونه که معروف‌ترین باشگاههای جهان، چون بایر مونیخ آلمان غربی، بوتافوگویی برزیل، فنرباغچه ترکیه و... خریدار "قلدر و موتور کوچ بوق آدیسون" شدند، کوچهای که بچه‌ها پیش ذرات حسرت داشتن یلک توپ فوتبال خوب می‌سوختند. "شیرکیان" لقب نوجوانی‌اش بود، لقب دوره‌ای که در باشگاه‌های نوب می‌زد و مطبوعات و رادیو و تلویزیون پیرامون "کشف پدیده‌ای تازه و شگفت در فوتبال ایران" جنجال بر راه انداخته بودند. "سردار"، "سردار قلیچ" و "سردار فوتبال ایران" القابیه بودند موافق و مخالفش براننده‌اش می‌دانستند.

پرویز، که بچه‌های محله‌های جنوب شهر "پرویزخان" صدا می‌ش می‌زدند، به سرعت در زمره‌ی سرشناس‌ترین چهره‌های ورزشی میهنمان قرار گرفت. نادر چهره‌ای که مهرباری و توانائی



اش راهمان ستایش می‌کردند. او که نزدیکه دوده "توپ" زد "از دیدگاه صاحب نظران ورزشی میهنمان به عنوان "برجسته‌ترین فوتبالیست تاکنونی میهنمان" معرفی گردید، و نه فقط مرد سال فوتبال ایران، بلکه مرد سال‌های فوتبال ایران شد.

"پرویزخان" اما ورزش همه‌زندگی‌اش نبود. او تجربه دریافته بود که سیاست یعنی همه‌زندگی و هر مدگرگونی آن، او مدگرگونی زندگی همه‌آنانی که داغ فقر و رنج برگرد داشته‌اند. اطلب می‌کرد دومی کند، و از این روزهان نوجوانی به فعالیت‌های سیاسی رو آورد، روی آوردنی که زندگی او را که می‌توانست فرق در پول و شهرت و آرامشی "چوخ اختیار" گونه باشد، مالا مال از رویدادهای تلخ و دردناک ویران فراز و نشیب کرد، اما...

با همپای صحبت‌هایش می‌نشینم تا تازه‌ترین حرف‌هایش را درباره‌ی خردش و زندگی‌اش، که با سیاست و ورزش گره خورده است، بر ایمن بگویم.

من اما با این همه، تلاش می‌کردم تا از تاثیر تخریبی چنین محیطی مصون بمانم. با یکی از رفقای گروه "رفیق مصطفی شاعیان" رابطه داشتم، رفیقی که برخوردارها و آموزش‌هایش مرا از غرق شدن در منجلا ب محیطی آسوده مصون داشت، رفیق ارزشمنی که اکنون با درد و آسوده آوارگی در آمریکا دست به گریبان است. از مسافرت‌های فراوان به کشورهای مختلف آثار مارکسیستی، لنینیستی به همراه می‌آوردم و در اختیار رفقای نزدیکم قرار میدادم، در همین حال با محافل ادبی و نیز محافل دانشجویی و انقلابی نیز تماس داشتم. در محافل ورزشی، حتی در برابر ورزشکارانی که می‌دانستم جاسوسان رژیم هستند، دست به اسرار مخالفان رژیم می‌زد. این برخوردها و ارتباطات از چشما ساواک پوشیده نماند، آنها از طریق سردمداران دستگاه ورزش بارها دست به نصیحت و تحبیب و گاه تهدید می‌زدند.

روزهای پرشکوه اعتراضات و اعتصابات دانشجویی در بهمن ماه سال ۱۳۵۱، که در بزرگداشت حماسه‌ی سیاهکل برگزار شد، من فعالانه در اعتراضات و اعتصابات شرکت کردم، و در درگیری با "گارد دانشگاه" که چند تن از دانشجویان را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده بودند، مامورین گارد را مفرود کردم. پس از این واقعه مامورین ساواک به خانه‌ام هجوم آوردند و به شکنجه گاه کشانده شدند. هراس از پرونده‌ی قطور "گفته‌ها و اعمال خرابکارانه" ام همراه با شکنجه‌ها و تهدیدها از من قوی‌تر عمل کردند و...

به خواست رژیم تن دادم و در برابر آنها زانو زدم، لغزش بزرگی که داغ آن همیشه با من بوده و خواهد بود. عمل حساب شده رژیم که مترصد یافتن فرصتی مناسب بود کار از آب درآمد و سیاست "خراب کردن" مرا با موفقیت پیش بردند. من بی آنکه قصد مقایسه خودم با "آقا تختی" را داشته باشم، بر این عقیده بوده و هستم که رژیم شاه که تجربه تختی را داشت، سیاست حساب شده‌ای در رابطه با چهره‌های سرشناس ورزشی پیش می‌برد. این چهره‌ها با می‌بایست "خختی می‌مانند"، یا خودشان را مسی فروختند، یا در برابر آنها توده‌ها خراب می‌شدند، و اگر هیچکدام از این راه‌ها عملی نمی‌شدند سرنوشت تختی بزرگ گرفتار می‌آمدند. آنها اما در رابطه با من همان سیاست خراب کردن را پیش گرفتند.

پس از رهایی از زندان دوران سختی را گذراندم، آنچه پیش آمده بود گاموس و حشمت‌نکی را می‌مانست که روح و جسم را آزرده کرده بود. اما مبارزای رفقای سیاسی و انقلابی خویم خودم را بازیافتیم. در آن هنگام رژیم شاه تلاش داشت حتی نام مرا از حلقه‌ی ورزش فوتبال حذف کند و چنین تلاشی را نیز در کنار تبلیغات شنیع و ناجوانمردانه‌اش بعمل می‌آورد، اما من بر روتر از این حرف‌ها بودم، و تازه انگاری بر برخوردهای رژیم محرکی ست که می‌خواهد درخت کینه‌ها به آنها بار میوه بنشانند. حضور فعال در صحنه مسابقات فوتبال، پس از رهایی ام از زندان، باز ناب چنین احساسی بود. ساواک که این حالت و روحیه را در من دیده بود سال ۱۳۵۴ نیز به بهانه‌ی تکثیر نوارهای انقلابی باز دستگیر کرد، اما پس از مدت کوتاهی آزاد شدم، و اواخر سال ۱۳۵۵ راهی آمریکا شدم. در آنجا در کنار فعالیت ورزشی امبر دامنه فعالیت‌های سیاسی ام نیز افزودم، و از مجموعه امکانات موجود در دسترس در انشای جنایات رژیم شاه استفاده کردم. در آمریکا بار رفقای سازمان چریک‌های فدایی خلق ارتباط گرفتیم.

رفقای غذائی و نیز برخی از رفقای "اتحادیه کمونیست‌ها" بیدریغ و رفیقانه یاری ام کردند. در آنجا بود که جزوه "پوزشی از خلق و جانبا زانش" را منتشر کردم و عمک سرد نادرست خود را در برابر رژیم شاه را مورد انتقاد قرار دادم. پیش از انقلاب بهمن به ایران بازگشتم. روزهای انقلاب همراه با مردم و در صفوف فدائیان خلق در انقلاب

پیام کارگر: با اینکه نام تو بعنوان یلک چهره‌ی ورزشی بنام بر سر زبان‌ها بوده و هست، اما فعالیت‌های سیاسی ات نیز همیشه طرح و بحث برانگیز بوده است. در این رابطه چه حرف‌هایی برای گفتن داری؟

پرویز: من از همان نوجوانی، تحت تاثیر آموزش‌های پدر و نیز تجربه شخصی ام، سیاسی شدم. من از پدر و زندگی آموختم که سیاست یعنی زندگی. نمی‌توان زندگی کرد و ادعا نمود که "ما را با سیاست کاری نیست". چیزی که به اعتقاد من یلک خود فریبی آگاهانه است. طبیعی بود که چگونه سیاسی بودن مد نظرم بود. قلب من به عشق بچه‌های اعماق می‌تپید و می‌تپد، بچه‌هایی که رنج و فقر، زندگی را به کامشان تلخ کرده بود، و من آرزوی ایفای نقش در مدگرگونی زندگی آنها داشتم. اما واقعیت این بود که این عشق فقط احساسی انسانی و عاطفی، و فقط شور دگرگون‌سازی بود و با شعور و آگاهی و توان ضرور در نیامیخته بود. کسند شدم از محیط زندگی کونکی و نوجوانی ام و گام نهادن در آن محیط ورزشی ناسالم، نه تنها کمکی به تعمیق عشقم به فقر زدگان و عقب‌نگه‌داشته‌ها و کینه‌ها به شکبارگانی که سبب چنین فقر و رنجی بودند، نشد بلکه چنین احساسات عاطفی و انسانی‌ای و در سطح نگه‌داشت. محیط ورزشی‌ای که رژیم شاه پنا به ماهیت ارتجاعی‌اش، با پول و انبواغ ابزار و وسائل تحبیب و تحمیق آلوده‌اش کرده بود.

پیام کارگر: پیش از هر چیز از اینکه دعوت، ابرای مصاحبه و گفتگو پذیرفتید، سیاست‌گزاریم. بد نیست ابتدا از خودتان برابمان بگوئید و اینکه در حال حاضر چه می‌کنید؟

پرویز: من نیز از شما و رفقای تحریریه پیام کارگر، کسه امکان چنین گفتگویی را به من دادید، سیاست‌گزارم. اما در مورد خودم، چیز قابلی برای گفتن ندارم. بزرگ شده محله "تیردقلو" ی شهناز جنوبی تهران هستم. در خانوادهای زحمتکش بدنیا آمدم پدر کارگر و همسرش خانوادهای در رنج و ورزش فوتبال را از مینه‌های خاکی محله‌های جنوب شهر تهران شروع کردم، ورزشی که به سرعت با زندگی ام گره خورد. آنگونه که پیش از ۲۰ سال از عمرم را آن سرکردم. در کنار فوتبال به هر جان‌کنندی بود درسی خواندم و از دانشر ابعالی لیسانس تربیت بدنی را گرفتم. تا پیش از انقلاب، هزینه زندگی ام، در وجه غالب، از طریق بازی فوتبال تأمین می‌شد اما بعد از انقلاب از طریق مشاغل گوناگونی مثل کار با وانت بار و کارگری در کارخانه شرفا و کار زندگی خانوادهم را تأمین می‌کردم. در این میان همسر من نیز در تأمین هزینه زندگی خانوادهم یار بود. اما امکان مربی‌گری تیم‌های فوتبال فرانسه بر ایمن فراهم بود اما فعالیت‌های مستمر تشکیلاتی و نیز تلاش معاش مانع از تحقق چنین امکانی شد. در حال حاضر با همسر و دودخترم تبعیدی یاریس هستیم. زندگی ام نیز از طریق رانندگی کامیون می‌گذرد.

شرکت کردم و با سازمان چریکهای فدایی خلق ارتباط گرفتم. در مقطع انشعاب "اقلیت و اکثریت"، آزرده و گنج از این رویداد، فعالیت‌های تشکیلاتی ام کاشیافت، اسما آشنائی با رفقایی که انشعاب ۱۶ آذر را سازمان میدادند محرکی شد تا من بر میزان فعالیت‌های تشکیلاتی ام بیافزایم. من فعالانه و باتمامی امکان‌ناهم در رابطه با انشعاب ۱۶ آذر حرکت کردم و از آن تاریخ نیز تا چندی قبل فعالانه باین جریان کار کردم. گرایش من به این جریان، جدا از نزدیکی نظری، سیاسی و تشکیلاتی، معلول علاقه و احترام بسه برخی از رفقای سازمانده این انشعاب، بویژه رفیق معینی (همایون) نیز بود. در این دوره جدا از پیشبرد وظایف سازمانی، در رابطه با سازماندهی فوتبال محلات و نیز انتشار نشریه‌ای ورزشی فعالانه شرکت داشتم، که کسار انتشار نشریه، به دلیل ضرباتی که سازمان فدائیان خلق خورد، ناتمام ماند، نشریه‌ای که چند شماره آن آماده انتشار بود.

پس از ضربه آبانماه ۱۳۶۲، به توصیه رهبری سازمان ایران را ترک کردم. مدتی پس از برگزاری پلنوم ۷ سازمان فولیان خلق انبوهی سوال نظری، سیاسی، تشکیلاتی در ذهنم پدید آمد، اما من علیرغم وجود آشکار انحرافات گونه‌گون، دل به "کنگره" سازمان و نیز مساله وحدت این سازمان و سازمان آزادی‌کار خوش کردم، اما باز سرم به سنگ خورد، انگاری چون همیشه می‌باید سرم به سنگ می‌خوردم تا حضور سنگ را باور میکردم! "کنگره" چه در روند تدارکش و چه هنگام سر - گزاری اش کاریکاتوری از یک کنگره نمکراتیک بود و آنچه که از دل آن بیرون آمد نیز سازش زیر پرچم وحدت بود! بی‌تردید آنچه که در طول تبعید در رابطه با حیثیات سازمانی و نیز امر رهبری سازمان، چه در عرصه نظری و سیاسی و چه در عرصه تشکیلاتی و اخلاقی، دیدم برای دوری گردیدن از اینگونه سازمان‌ها و اینگونه دیدگاه‌های نظری و سیاسی کافی بنظر می‌رسد. اما از آنجا که به‌جز بیعت اعتقاد دارم، اگر فعالیت منظم سازمانی نکنم، حالت‌های وامانده از آب را دارم.

پیام کارگر: در دو مسابقه جنجالی و پیر سر و صدا، سنساره بازیها بودی، مسابقه ایران و اسرائیل و مسابقه ایران و استرالیا. مسابقه ایران و اسرائیل اما بازیسی و ویژه‌ای پیدا کرد، ارزیابی‌ات در این باره چیست، چرا این مسابقه چنین ویژگی‌ای بسمراه داشت؟

پرویز: مسابقه ایران و اسرائیل بعد از جنگ ۶ روزه عرب و اسرائیل و در خلال سالهای ۴۸-۴۷ در چارچوب جام ملت‌ها آسیا برگزار شد. اسرائیل در آن هنگام در آسیا درانزوای تقریباً کامل بسر می‌برد. هیچ کشوری در آسیا حاضر بسه برگزاری چنین مسابقاتی بدلیل حضور اسرائیل در جمع تیم‌های شرکت کننده، نبود. رژیم شاه اما به توصیه اربابش آمریکا به این امر تن داد. محافل مختلف و محافظه‌کاران دانشجویی با حضور در امجدیه به حضور اسرائیل در این مسابقه اعتراض نمودند، و اعتراض خود را نیز به اشکال گونه‌گون بروز دادند. در این میان بازاریان با خصومتی آشتی‌ناپذیر با "کلیمیان" و محافل روشنفکری در دشمنی با میریالیسم جهانی، امجدیه را به صحنه اعتراض علیه این مسابقه تبدیل کرده بودند. پس پایان مسابقه تظاهرات موضعی علیه اسرائیل و آمریکا در اطراف امجدیه برگزار شد. بسیاری از تماشاچیان بازاری حتی با خود قمه و کارد آورده بودند تا اگر اسرائیل تیم ایران را شکست داد، تماشاچیان جهود و نیز بازیکنان تیم اسرائیل را "قصاب" کنند!

اما بازی با استرالیا وضعیت دیگری داشت. همانگونه که گفتیم رژیم تلاش داشت مرا از صحنه فوتبال میهنمان حذف کند، به همین خاطر عمده آکره‌های رژیم به این عنوان که من "کمونیست" و "بی‌وطن" هستم، از انواع و اقسام حربه‌های روانی در این رابطه سود می‌بردند. پیش از بازی ایران و

استرالیا نیز که در سال ۱۳۵۴ برگزار شد آنها چنین سیاستی را پیش بردند، اما ما با بیخیالی و بی‌رویی تمام در ایمن مسابقه حضور یافتیم. دهن‌کجی و ابراز نفرت من به عملسه آکره‌های رژیم، اراشه‌یکی از بهترین بازیهای دوران زندگی - ام در آن روز بود.

پیام کارگر: وضعیت ورزش و تربیت بدنی، بویژه ورزش فوتبال، ارا شرایط کنونی جامعه مان چگونه می‌بینی، آیا فرقی با گذشته و بویژه پیش از انقلاب کرده است؟

پرویز: هر رژیمی بنا به ماهیتش با مساله ورزش و تربیت بدنی برخورد می‌کند. دیدگاه‌های رژیم ارتجاعی سلطنتی شاه و نیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در برخورد با مساله ورزش و تربیت بدنی اساساً فوق‌زیادی نداشتند و ندارد. اما اینکه ورزش در دوران سلطنت شاه از کیفیت بهتری نسبت به دوران خلافت آخوندها برخوردار بوده است به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر مورد قبول من است. با تاکید بر این واقعیت که این تفاوت کیفی نه از روی حسن نظر و یا حسن نیت آن رژیم بود، بلکه رژیم شاه می‌خواست برای استفاده غیر شرافتمندان از این وسیله شریف با ابزار بسا کیفیت تری مقاصد خود را پیش ببرد. در عرصه‌هایی امار رژیم جمهوری اسلامی نه در مقایسه با رژیم شاه، در مقایسه با حکومتها ارتجاعی شبیه به خودش، در عقب‌ماندگی و جهالت نمونه‌وار است. نگاهی به ورزش زنان در میهنمان اوج عقب‌ماندگی و جهالت رژیم اسلامی را نشان میدهد، آنگونه که براحتمی می‌توان گفت، آخوندها ورزش زنان را کشند و بقیه رشته‌های ورزشی را نیز بسوی مسلخ و جهالت و عقب‌ماندگی خود می‌برند.

به اعتقاد من، آنچه که برای رژیم شاه، و از آن بدتر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، اهمیت نداشته و در مواردی نیز قابل فهم هم نبوده، توجه به اهمیت ورزش و تربیت بدنی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی بوده و هست. هر دوی این رژیمها، ورزش و تربیت بدنی را وسیله‌ای برای تحمیل توده‌ها و دورنگه داشتن آنها از مسائل اصلی جامعه خواسته و می‌خواهند، هر دوی این رژیمها ورزش و تربیت بدنی را وسیله‌ای برای پیشبرد خواستهای سیاسی و ایدئولوژیک خود خواسته و می‌خواهند، و ورزش و ورزشکار تنها در چارچوب خواست‌های دیکته شده‌ی آنها مورد قبول این دورژیم بوده و هستند و لا غیر!

در مورد فوتبال نیز وضع همچون رشته‌های دیگر ورزشی است. اما توده‌گیر شدن این ورزش سبب شده تا ورزش فوتبال و بزرگی‌هایی بدست آورد که با رشته‌های ورزشی دیگر متفاوت است. اقبال توده‌ای به این ورزش این امکان را داده است که رژیمهای ارتجاعی به راحتی نتوانند آنگونه که خود می‌خواهند این رشته ورزشی و فوتبال‌لیست‌ها برخورد نمایند. نمونه‌ها چه در رابطه با دوران حیات رژیم شاه و چه دوره‌ی کنونی فراوانند.

درباره وضعیت فوتبال میهنمان در حال حاضر باید گفت که فوتبال در جامعه مان به لحاظ کیفی و کمی اسفناک‌ترین دوره خود را می‌گذراند. کیفیت تیمهای فوتبال، بویژه تیم ملی بسیار نازل است. نزولی‌کدر رابطه با سطح رشد فوتبال نه در مقایسه با کشورهای صاحب نام در این رشته، حتی در سطح بسیاری از کشورهای آسیایی، بسیار تأثر آور است. فقدان امکانات ضروری تمرین، فقدان تأمین نیازهای رفاهی و ضروری برای زندگی یک فوتبال‌لیست، تصفیه حساب‌های ایدئولوژیک، سیاسی و شخصی... خلاصه حاکمیت عقب‌ماندگی و نادانی و ندانم‌کاری در این عرصه، دست آوردی جز "تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی" نمی‌توانست داشته باشد. تیمی که اگر کیفیت هم بتوان در آن یافت، خود انگیزه و خودجوش بوده است. در واقع ورزش فوتبال هم از آفت وجود آخوندها مصیبت‌سوز نمانده، همچون دیگر رشته‌های ورزشی و تربیت بدنی و نیز

همه عرصه‌های زندگی.

پیام کارگر: ورزش دوستان و خصوصاً جوانان ما علاقمند بسه استفاده از سالن‌های تجاری تودر میادین ورزشی و مسابزه اجتماعی و سیاسی هستند، چه پیامی برای آنها داری؟

پرویز: پیامی که عرض کنم اما من آنچه را که در یافته‌ام مطرح میکنم. ورزش و تربیت بدنی، مثل هر پدیده اجتماعی دیگر با سیاست گره خورده است. سیاست نیروهای می‌رسند و ارتجاعی تلاش برای سوء استفاده از این پدیده در راه تحکیم جهل و عقب‌ماندگی است. می‌بایست در مقابل چنین نیروهایی و ورزش و تربیت بدنی را وسیله‌ای برای بالندگی و پیشرفت هر چه بیشتر جامعه انسانی قلمداد کرد و بکار گرفت.

من فکر میکنم ورزش دوستان و ورزشکاران در این راستا رسالت بزرگی بر عهده دارند. ورزش و تربیت بدنی وسیله‌ای برای گسترش و تعمیق روحیه‌ی تعاون و همکاری و وسیله‌ای برای بهسازی زندگی نیروهای انسانی جامعه و تأمین تندرستی و سلامت آنها، وسیله‌ای برای دوری گردیدن از برخی از کج‌رویه‌ها و انحرافات اجتماعی، وسیله‌ای برای افزایش روحیه‌ی رقابت‌های سالم و سازنده و انسانی، وسیله‌ای برای تحکیم دوستی ملت‌ها و خلق‌ها و نیز تقویت و تحکیم صلح جهانی است. ورزش و تربیت بدنی وسیله تبلیغ عقب‌مانده‌ترین و غیر انسانی‌ترین افکار عقیدتی، سیاسی و اخلاقی نیست، بنابراین این بنظر من در برابر نیرویی که از این وسیله شریف در این راه استفاده می‌کند، باید ایستاد. جمهوری اسلامی امروز این وسیله شریف را ابوالودگی افکار عقیدتی، سیاسی و اخلاقی آورده و تکبت بارش، آورده کرده است. آنچه که در عرصه ورزش و تربیت بدنی میهنمان گذشته و می‌گذرد، برای نشان دادن حد عقب‌ماندگی و جهالت رژیم جمهوری اسلامی کافیست و حتی ضرورتی ندارد که ورزش دوستان و ورزشکاران، که بسه گروه‌های اجتماعی متفاوت تعلق دارند، برای شناخت سیما واقعی رژیم از بی‌شمار جنایات رژیم در زندان‌ها و شکنجه‌گاهها با خبر باشند! همین حد جهل و عقب‌ماندگی که در عرصه ورزش و تربیت بدنی مشهود است برای قدامت‌گرا در ورزش دوستان و ورزشکاران و دست‌زدن به اعتراض علیه این رژیم کافیست.

اعتراضاتی که شاهد نمونه‌هایی از آن بودیم اعتراضاتی که مردم خشم خودشان از حکومت را بروز داده‌اند. من فکر میکنم این اعتراضات ورزشی نباید فقط محدود به استادبوم‌ها شود بلکه به محلات و کارخانه‌ها و محیط‌های آموزشی نیز می‌تواند گسترش یابد. از این جهت بنظر من باید تاکید بیشتری بر نقش ورزش در این امکان خصوصاً در محلات داشت. سازمان دادن تیمهای ورزشی محلات از آنگونه فعالیت‌های اجتماعی مهمی است که می‌تواند جوانان پر شور میهن ما را علاوه بر محفوظ داشتن در مقابل انواع مفاسد که این روزها بی‌شمار از هر زمانی مطرحند، در جهت پرورش یک روحیه سالم مبارزاتی و ایستادگی در مقابل حکومت سوق دهد.

پیام کارگر: رفیق پرویز یکبار دیگر از توتشکر میکنیم.

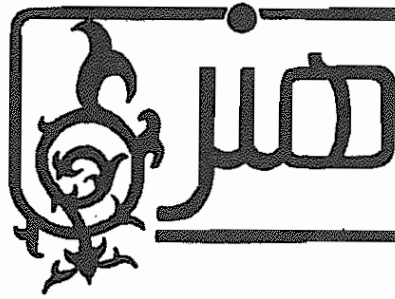
پرویز: منم به همچنین.

در گذشت

یک روزنامه‌نگار انقلابی

با کمال تاسف در آخرین لحظات چاپ نشریه اطلاع یافتیم که منوچهر محجوبی روزنامه‌نگار با سابقه و سردبیر آهنگر در لندن به علت بیماری درگذشت. ضمن تسلیت درگذشت منوچهر محجوبی به خانواده‌اش در شماره‌های آینده، مصاحبه‌ای را که ایشان در آخرین روزهای خیاتش با پیام کارگر انجام داده به اطلاع خوانندگان خود خواهیم رساند.

معرفی و نقد کتاب



روزنهای بدرمان آوازکشتگان

آفرینش و زیبایی‌های هنری در مقایسه با بلیبیدیای جوامع انسانی، بخودی خود و بنا به ماهیت روشنگرانه اندیشه و هنر، نمیتوانند در فاصله دوری از زشتی و پلیدی قرار نگیرند. با اینهمه، سرنوشت ادبیات فارسی کوفی بر این بنا بوده که فاصله پیدا و روشنی از این حیث اختیار کرده و درخشش نمایانتری داشته باشد. ادبیات معاصر ایران - بویژه - بخت بلندی نداشته است، بطوریکه کمتر شاعر و نویسنده‌ای سراغ داریم که از تعفن ستم و سلطنت و اشرافیت و لاک ناخن و مضحک زندگی جماعتی اشمئزازآور روی برنرفته باشد. اما علیرغم این نیکبختی، شجاع‌ترین مبارزان جامعه ما در قبال نگین سرخ ادبیات مردمی ما، فقط پشت کوشش خازاندند، تا اینکه ناگزیر شویم با خمشی خاموش، نظاریم که تجلیل سباهکاران سلطنت از مثلاً فروغ فرخزاد باشیم که "از صدای تکه تکه شدن" در دوره آن جانبان می‌گوید و یا از شاملو که سر سلسله این دودمان زیون را "سگ انوالیدی" می‌نامد.

ما به تاسی از محدود کسانی که نقد و معرفی آثار گرانبهای هنری را وظیفه اجتماعی خود می‌انگارند، "آواز کشتگان" رمان رضا براهنی را معرفی می‌کنیم. البته دعوی نقد را در سر نلایم زیرا که قدرت ناقد را نداریم، از سوئی تنها به معرفی قیمت و تعداد سطور و تاریخ چاپ اکتفا نمی‌کنیم.

کتاب در سال ۶۲ از چاپ خارج شده و حاوی دو بخش با عناوین زیبایی "حیث پری داران" و "وحدت آینه چشمان" است و به ۴۰۰ صفحه میرسد. "نشر نو" که تاکنون مبادرت به آثار با ارزشی کرده، مسؤولیت چاپ رمان یاد شده را نیز بعهده گرفت. قصه بلند "آوازکشتگان" در واقع تفسیر رئالیستی واقعیت اجتماعی حول این شعر زیباییست: عاشقان کشتگان معشوقند - برنیاید زکشتگان آواز.

عشق پرسوز و آتشین دکتر محمود شریفی به زن زیبا و مهربانش سهیلا (قهرمان اصلی داستان) این تجدید شاعرانه عاشق به معشوق را بیادگار دارد، عشقی که در گذر زمان و تحول هر چه عمیق‌تر زندگی این دوروشنفر درمقیوبی عامتر تعمیم می‌یابد و آنگاه معنایش را در عشق به آزادی نیز میجوید. عاشق واقعا هم درگمانی ویسی - بهره از غوغای نام و آواز، پیکار خود را در زخم و خون و شکنجه بی میگیرد.

حوادث داستان در طی چند روز و حول و حوش کنکرامی می‌گذرد که قرار است فرح پیلوی در حضور مستشرقین و استادان فارسی داخلی و خارجی افتتاح کندو نیز یادآور خاطرات دلاوریهای دانشجویان در اطراف برپائی کنکره فرمایشی در دهه ۵۰ است. دکتر شریفی، قهرمان اصلی داستان، نویسنده با استعداد و استادی آگاه است که تجربیات دیدارهای

علمی جهانی، تجربیات مبارزاتی خانواده و زادگاهش - آذربایجان - و دوران زندانی شدن خود رابه همراه دارد و حال وظیفه خود را دفاع از جان زندانیان سیاسی در سطح بین المللی می‌داند که در نیاز سه نهایت اختفا، از حمایت و همکاری بیدریغ همسر شجاع او برخوردار است.

اگرچه نویسنده اصرار دارد که شخصیت‌های داستان، خیالی هستند، اما علیرغم این، شباهت زندگی دکتر شریفی و دکتر براهنی از امتیازی برخوردار است که باید به آن توجه داشت و آن، زمینهای واقعی رویدادها و وقایع پرداخته شده است.

در کتابی با صفحات و پرسوزهای معدود، به سختی می‌توان رد و نشان تاریخ را پی گرفت، حال آنکه براهنی با پرهیز از حواشی، این دستاورد را بی‌ارزشانه است.

تريک گریز منطقی نویسنده به وقایع، ما می‌توانیم نگاهی چند جانبه به مبارزات رهائی آذربایجان، پیکارهای تودنای دهه ۲۰ تا ۳۰ و سالهای مبارزات چریکی دهه پنجاه داشته باشیم.

ساجت "قربان" گریجوی درتداوم تلاش مبارزانه جواناناش در هر مقطع از برآمد تودنای، او را به فرزندش محمود شریفی در مصیبت پر هول اما فخرآفرین به هم متصل می‌سازد، حال آنکه، نتیجه دیگر شکست ۲۲، گره گزینی است که در روابط پدر بجا مانده آزان سالها که معتاد شده و فرزندش "اسماعیلی" که شاعر مبارزی است، می‌نشیند. نتیجه نهائی اینکه نسل های دور از هم به نعمت جوشش بی‌توقف مبارزه، در دو سوی قتلخ از شکست و هراس و بدگمانی، و نیز شجاعت و امید و ایمان، لبهای زخمی و خونین یکدیگر را می‌پوسند، زیرا "زمین بهرحال از آن آنهاست!" (صفحات آخر)

نگات بسیاری در رمان هست که اشاره حتی مختصر به آن، نیازمند صفحات زیاد است. از جمله مکالمه روشنفر بر اندا و عبارت پیدازی که بی‌کاری خود را در اهانت به قهرمان بی‌توقعی که اندا نیز ندارد، مورد مناقشه قرار میدهد. (صفحات ۲۶ و ۲۷)

داستان بی‌آنکه به اصراری شعارگونه متکی باشد، - و این خود مدیون شرکت مستقیم نویسنده در حوادث آن روزگار پرادبار است - "زندگی" بوج جمعی روسپی، متعلق، کسروهای "علم"، پاننداز، با مدجان دور قاب چین و... را در کف دست می‌گذارد که يك فاحشه وامانده صمدار بر آنها شرف دارد. در جایی از کتاب، در مقام توصیف محفل های این جماعت بنجل می‌نویسد: "مثل اینکه مدهای فرنگی بوجود آمده بودند تا اندامها و صورتهای زنهای ایرانی را به بازی بگیرند." و "تا حال استادان دانشکده را به این خوش لباسی ندیده بود،

مثل اینکه چشمان عروسک (فرح - م) قرار است به جور یا ناچوریون لباس و پیرهن و کفش و کراوات و جوراب استادها نمره بدهد." (صفحه ۱۲۴)

موضوعی که هرخواننده را از خود بیخود می‌کند، خاطرات عذاب آور ایامی است که آن برآستی گوربه کور شده بر جای گذاشت. شکجه میدهند، به دارمیزند، به انسان چشم بند می‌زنند - که به قول داستان، "بزرگترین توهین را به بینائی بشریت" رومیدارند - بخاطر توجیه هول برذلی چون فرح، از جوانان خونالود، "تساویر زیبای هندسی برمیلههای دانشکاه" می‌سازند، و آنگاه ماده خوبی دیگر چون اشرف را به ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌کارند تا گزازی چون شاه با بادی به غنیمت گفته باشد: "کشور ما، کشور دمکراسی است!"

گفتنی‌های ضروری در باب شکل در این رمان از جمله توجه به روایت بی‌طمأنیه و صمیمی واقعیت است که خواننده را هنگام مطالعه - انگار با يك گسارشی مستند تکان دهنده روبرو می‌سازد، با این تفاوت که اگر گزارش روزنامه‌ای را می‌توان نیمه‌کاری گذاشت، این سهل انگاری در مورد "آوازکشتگان" حکم از کف دادن لذتی مسلم را دارد. نویسنده همچنین شیوه معمول آن "دوجین گریبچیان روانشناس" را که توهم خویش را به عنوان نتایج منطقی در کام خواننده می‌انبارند، به کناری نهاده و با رئالیسم پرخون و پر تحرك خود، نهایت توجه را جلب می‌کند. علاوه بر این، احتراز براهنی از موعظه پرنمازی و درس اخلاق دادنها به دل می‌نشیند.

در کتاب همچنین نقایص محتوایی و هم اشکالات فنی وجود دارد - که اگر اشاره به آن پرگوشی معنسی بدهد - می‌توان لاقول آنرا مغایر با برداشتها و احساس تاکنونی مان از فنون ارائه شده توسط صاحبان تلقی کرد.

از نظر محتوی، صدای خراشیده ناسیونالیسم که بیشتر به پاسخ به نویسندگان متعصب دیگر شبیه است تا يك نظر پرنمازی رئالیستی، به چشم می‌زند. همانگونه که مثلاً اخوان ثالث "بلاغت مغولی" را به آذربایجانی‌ها نسبت میدهد، براهنی نیز سعی دارد تا "همولایتی‌های" خود را تافته جدا بافته معرفی کند. بر پایه ایمن لجاجت، خراسانی‌ها "عادت به نرمی در مقابل قدرتمندان" دارند و يك کیلانی، بالقافات رژیم که باید "شخصیتی سست و بی‌خون" باشد، تطبیق می‌کند، سربسازان محافظ زندان که در دروغ از دست دادن صد تومان و جنالقتل مبارزان حسرت می‌خورند، حتما باید اصفهانی باشند، و يك جوان تهرانی از پیرمرد محضتر آنری می‌هراسد تا ثابت شود که حتی بزك مخصوص زندان شهربانی هم، آذربایجانی غیرتمندی است. چنین "نظراتی" (که در واقع تبلیغاتی) نه تنها دلاوری خلق آذربایجان را در سالیان مختلف در سایه قرار می‌دهد، بلکه با دوستی خلقها مغایرت دارد.

"آوازکشتگان" از نثر شاعرانه معمول رمان - نویسی ها و بی‌بریکری آنها از زیبایی های طبیعی و انسانی بی‌بهره است. حتی بنظرمی رسد که نویسنده خود به این ضعف باور دارد که در سرتاسر داستان، تنها چند جمله پراکنده، از این دست دارد: "ویولونها... (به هم) جواب میداند و بعد انگار متحد می شدند و در صفحه ۹

ایجاد بازار تجاری در مرز ایران و ترکیه

بر اساس موافقی که بین مسئولین استان وان ترکیه و اسرار ساحل غربی صورت گرفته است، در چند نقطه مروری مکرر بازار آزاد تشکیل خواهد شد.

اوسن بازارها در این زمینه چندی پیش در چند نقطه برپا کردند که در آساحنا، جای، گلیم و فرشهای دستباف ایرانی از طرف اسراییها و روغن و شکر و مواد بهداشتی و پاک کننده از طرف ترکیه با فروش می رسید.

سینه زنی و غذای مجانی

سرمداران رژیم به هر حربه ای متوسل میشوند تا بتوانند در های وهوی مرگ خمینی اوضاع را بر وفق مراد خویش سازند و در این راستاست که طی ۴۰ روز عزای عمومی، سه بهانه های مختلف، منجمله غذای مجانی، عده ای را بر سر قبر خمینی کشاندند و اکنون بدنیاال آن پرده از نمایش پرده دیگری به بهانه عاشورا و ماه محرم آغاز گشته است.

مسئولین رژیم اعلام نموده بودند که طی ده شب عاشورا ضمن سخنرانی یکی از مسئولین کشور در هر شب، برنامه سینه زنی و نوحه خوانی نیز برگزار است. در کنار این مراسم طبق معمول غذای مجانی نیز در اختیار شرکت کنندگان قرار خواهد گرفت. اتوبوس و ایاب و ذهاب نیز که جای خود دارد.

سعی رژیم در گسترش و دامن زدن به وسعت مراسم عزاداری در ناسوعا و عاشورا ایامال به حدی بود که برای تمام مردم ایامال ملموس و سؤال برانگیز بود. دعوت مسلمانان و جیره خواران جمهوری اسلامی از اقصی نقاط جهان به این مراسم بر سر قبر خمینی تنها یک گوشه کوچک از زمانوهای تبلیغاتی و پرده پوشیهای قفها بود که هر روز در اخبار رادو تلویزیون و مطبوعات دیده میشد.

تصحیح و پژوهش:

شماره پیامکارگر نیمه دوم مردانماه ۶۸ که ۴۹ بوده، اشتباهها ۴۸ درج شده است. در حالیکه شماره ۴۸ در نیمه اول مرداد منتشر شده بود. بدینوسیله اشتباه مزبور را اصلاح کرده و از خوانندگان پیام کارگر بپوش می خواهیم.

ا ز صفحه ۸

روزنه ای به رمان ...

شکوت را با زبان می انباشتد و عواطف سیمیا کش میاید، برهنه می شد، و در اعماق یک خلوص، یک حیرانی شکوفان، روان دردمند جهان را لمس میکرد.

(۲۵۶، ۵)

نویسنده در اثر کمیود جنبه های روانگانه، ناگزیر به ارائه مصنوعی برخی زوایای شخصیت میشود که از جمله در مورد دیالوگ منسوب به سهیلا و گلناز صدق می کند.

"سهیلا"ئی که در طول داستان، تنها عباراتی جسته گریخته بر زبان آورده، ناگهان همچون یک نیایشگر مدیون به درگاه خداوند! (شوهرش) چهار صفحه را پر می کند و گلناز ۱۴ ساله در جای خود با یک روشنفکر پرچانه چیزخوان پهلوی می زند. در مورد پدر محمود شریفی نیز این خصیصه نیرو واقعی و تا حدودی استثنائی می نماید.

رمان با این تصویر نهائی قهرمان تحت شکجه پایان می یابد "مورثش را بر زمین چسباند. لبهایش را روی آجر گذاشت. خواست بیوسد. نفعیید توانسته است بیوسد یا نتوانسته است. آهسته گفت: "خالک! "وباند".

ماژنرانی - اکتبر ۸۸

۶۶۸ عمور د دستگیری طی عماه گذشته

کلانتری اعلام نموده که برخلاف ادعای رسانه های غربی تمام افراد دستگیر شده دارای پرونده هستند و محاکمه شده اند و اعداها پس از محاکمه صورت گرفته است.

در حالیکه اعدام متهمین به قاچاق و مواد مخدر همچنان ادامه دارد و تنها طی هفته گذشته ۸ نفر دیگر نیز به این جرم به چوبه های دار آویخته شدند، مختار کلانتری جانشین



طبق اخبار منتشر شده از طرف رژیم طی شش ماه گذشته نزدیک به هزار نفر به جرم قاچاق و توزیع مواد مخدر در ایران اعدام شده اند. در بین اعدام شدگان تعدادی زن نیز وجود داشته است که تنی چند از آنان سنگسار گشته اند.

جدید فرمانده کل کمیته های انقلاب اسلامی اعلام نموده که طی ۶ ماه گذشته ۵۴ شبکه قاچاق مواد مخدر متلاشی و ۶۶۸ تن از اعضا، آن دستگیر شده اند. وی مقدار مواد مخدر دست آمده از این افراد را ده تن نکر نمود.

اقتصاد بیمار و وابسته

در شرایطی که رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور جدید از برنامه های مفصل پنج ساله برای آبادانی کشور دم میزند. مرتضی الویری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس رژیم اعلام نمود که مدیریت فعلی توان اراده و اجرای برنامه های را که دولت برای سال آتی تدارک دیده ندارد. او گفت که برنامه های قابل بحث تنها در شرایطی قابل اجراست که "مدیریت سازمانهای رژیم در تمام سطوح مختلف بایستد دستخوش تغییر گردد و بعبارت دیگر متحول گردد".

او یکی از علل و عوامل باز دارنده در سازمانهای موازی که تعدادشان در جمهوری اسلامی کم نیست ناچهره دادامه داد که رژیم "گرفتار یک اقتصاد بیمار است و برای رسیدن به توسعه اقتصادی بایستد این بیماری بر طرف شود".

الویری با اعتراض به انحلال وزارت برنامه و بودجه که طبق مصوبه جدید متمم قانون اساسی صورت گرفته و بر اساس آن این تشکیلات باید زیر نظر رئیس جمهور باشد، به نظام غیر عادلانه درآمد در ایران حمله نموده و گفت در حال حاضر خانواده هایی در ایران وجود دارند که روزانه یک میلیون تومان درآمد دارند و دولت نمی تواند از آنان مالیات وصول کند.

تسهیلات ویژه برای مسافرت بازرگانان

روابط عمومی مرکز توسعه صادرات ایران اعلام داشت بر اساس مصوبه جدید دولت و بمنظور تسهیل در مسافرت افرادی که برای اهداف تجاری به خارج از کشور سفر می کنند از این پس بخشی از ظرفیت حمل مسافر در خطوط پروازی هواپیمایی جمهوری اسلامی برای این دسته از تجار اختصاص می یابد.

دولت اعلام نموده است که این امر در چهار چوب توسعه صادرات غیر نفتی صورت می پذیرد.

تاسیس بیمه اتکا

هفته گذشته در مطبوعات رژیم اعلام شد که کشورهای عضو صندوق بیمه "اكو"، قرار است یک شرکت مستقل بیمه اتکایی با سرمایه اولیه ای معادل ۵۰ میلیون دلار تاسیس کنند.

در سندوی سمه "اكو" کشورهای ایران، پاکستان، و ترکیه شرکت دارند و قرار است برای تاسیس بیمه اتکا، سه کشور مذکور، ۳۰ میلیون دلار جهت تاسیس اولیه شرکت پرداخت نمایند.

استانداران دو کشور علت وجودی بازار اربابزاده با قاچاق کالا بین دو کشور و همچنین توسعه اقتصادی منطقه عنوان نموده اند.

تدریس و صیغنامه خمینی در مدارس و دانشگاهها

حداد عادل معاون امور پژوهشی وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با خبرنگاران اعلام نمود که وصیت نامه خمینی جز دروس اصلی بینش دینی دانش آموزان سال سوم دبیرستان قرار میگیرد. او گفت که "این امر با توجه به کمی وقت به منظور بالا بردن سطح آگاهی دانش آموزان کشور و آشنایی آنها با مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت و تا بحال موفق شده ایم دو سوم وصیتنامه الهی - سیاسی حضرت امام را از لحاظ آموزشی برای کلاس سوم دبیرستان آماده کنیم".

وی در ادامه حرفهایش همچنین گفت که "بخشی از این وصیت نامه که تحلیلی از انقلاب اسلامی است به صورت یک درس برای مراکز تربیت معلم سراسر کشور در نظر گرفته شده که بصورت رسمی در سال تحصیلی آینده به دانشجویان تدریس میشود".

تحولات جدید در لهستان

در چند هفته گذشته، تصمیم دو حزب مؤتلف حزب متحد کارگران لهستان، حزب دمکراتیک و حزب دهقانان بیسه مذاکره با کمیته شهروندان همبستگی " برای تشکیل دولت ائتلافی و بحران متعاقب آن، یکی از مهمترین مسائل سیاسی روز بوده است. چرخش دو حزب مزبور پس از تزلزلاتی که آنها در انتخاب ژنرال گیژساک بعنوان نخست وزیر در پارلمان لهستان از خود نشان دادند، چندان غیر متوقع نبود. آنچه که محور اصلی بحران سیاسی را تشکیل می داد، این موضوع همبستگی بود که خواهان کنار گذاشتن کمونیستها از دولت و با اصطلاح راندن آنها به ایوزیسیون بود. مانور مزبور اساسا با هدف امتیاز گیری و نیز تشدید بحران حزب و نه هیچ چیز دیگر صورت می گرفت، زیرا همبستگی بخوبی می دانده که در شرایط کنونی و نه حتی در آینده قابل پیش بینی، تعادل قوای سیاسی در لهستان به روی اجازه نخواهد داد که خارج از چارچوب توافقات " میزگرد " که بر طبق آن موقعیت ژئوپلیتیک لهستان، تعلق وی به پیمان ورشو و کوکون-وینز نظام اجتماعی موجود دستخوش تغییر نخواهد شد، حرکت کند. بسا این همه اقدام دو حزب ائتلافی مزبور در مذاکره با همبستگی، به جریان اخیر فرصت داد که بیشترین امتیاز ممکن را از کمونیست ها دریافت کند. این امتیاز تشکیل دولت ائتلافی متشکل از همه احزاب سیاسی- چیزی که همواره پس از " میزگرد " مورد تقاضای کمونیستها بوده است به هری همبستگی بود.

موضع حزب متحده کارگران لهستان و خودداری آگاهانه گرایشات مختلف درون آن از افتادن به دام تحریکات همبستگی را مجبور به عقب نشینی نمود. این جریان که میخواست ضمن با اصطلاح راندن کمونیستها به ایوزیسیون، در عین حال دوپست مهم وزارت دفاع و وزارت کشور را به آنها واگذار کند در مقابل دو اقدام به هم پیوسته حزب در تنگنا قرار گرفت. اقدام اول عبارت بود از تصمیم پلنوم کمیته مرکزی حزب به ادامه سیاست ائتلاف بزرگ و تقسیم کرسی های وزارت بر اساس نیروی هر حزب. سیاست مزبور حاوی پیام روشنی به رهبران همبستگی بود: مقررات بازی پارلمانی در چارچوب توافقات میزگرد نباید رعایت شود، بنابراین یا لغو توافقات مزبور- امانه به ابتکار کمونیستها، بلکه به ابتکار همبستگی-ویایک ائتلاف سیاسی جدی. پس از این موضع گیری بونکه رهبران همبستگی به دست و پا افتاده و به مذاکره جدی با رهبران حزب برای تشکیل دولت پرداختند. بر زمینه فعل و انفعالات فوق باید به نکات مهم زیر نیز توجه داشت: بلافاصله قبل از اجلاس کمیته مرکزی، اجلاس رهبران حزبی کارخانه های بزرگ برپا شده و در آن برای آماده نمودن حزب برای درگیری جدی در صورتی که همبستگی به بازی خود ادامه دهد، اقداماتی صورت گرفت.

اما اقدام مهم دوم، دادن امتیاز به همبستگی برای به عهده گرفتن رهبری دولت ائتلافی بونکه با دعوت از اساتذ و مانور- یسکی از رهبران همبستگی و از وابستگان به کلیسای کاتولیک برای تشکیل دولت رسمیت یافت. اهمیت این اقدام در این بود که چنانچه همبستگی همچنان مانور خود را ادامه می داد مجبور می شد که علنا و رسماً خواهان به هم خوردن توافقات میزگرد شود و دقیقا در این نکته مهم است که اختلافات حادی در همبستگی وجود دارد. مثلا آدام میخنیک از رهبران همبستگی و نیز ما ویسکی- نخست وزیر آینده لهستان- از همان آغاز با ادعاهایی نظیر تشکیل " ائتلاف کوچک " و راندن کمونیستها به ایوزیسیون مخالف بودند. فرد اخیر پس از شروع مذاکرات با کلیه احزاب برای تشکیل ائتلاف بزرگ، اظهار داشت که " تلاش برای راندن کمونیستها به ایوزیسیون، تله خطرناکی

بورسی یلتزین

فراکسیون رادیکالها در شورای عالی اتحاد شوروی را معرفی می کند

انجام داده، این گروه بتوسی در مخالفت با گورباچف، نیز قرا میگیرد. او تا کید کرده که گورباچف با بد تصمیم نهائی خود را بگیرد. میخا شیل گورباچف در برابر دعای بخشی از این گروه که تا آنسرا "رادیکال چپ" نیا ده اندگفت که این بر خور دو این گونه نا گذاری صحیح نبوده و چنین مینماید که آنها که در گروه شرکت نکرده اند، "راستا" و محافظه کارند در حالیکه این با واقعیت تطبیق نداشته و بتگونه مرز بندی مصنوعی به صلحت نیست. بورسی یلتزین که بیشترین رای را در انتخابات هیئت رهبری این گروه را بزرگ دید، مختصات و اهداف گروه را معرفی کرده که ما آنرا به نقل از مجله عصر جدید به اطلاع خوانندگان میرسانیم.



- تضمین حق شهروندان شوروی به ایجا دسا زمانهای سیاسی و جوانان و عمومی
 - تأیید حق قانونی اعتماد، تجمع و تظاهرات
 - تضمین حق حاکمیت جمهوریهای عضو اتحاد شوروی، تجدید نظر در جایگاه قانونی جمهوریها، زمینها و مناطقی خود مختار.
 - برقراری حقوق هر گروه از شهروندان شوروی برای انتشار روزنامه و مجلات و ایجا دینگاههای انتشاراتی
 - خامه دادن به انحصار دولت بر ادبیات و تلویزیون
 - اصلاح رادیکال سیستم انتخاباتی
 - برقراری اصول عدالت اجتماعی
 - وپاره ای درخواستهای مهم دیگر.
- گروه ما در آینده نزدیک بر روی کار بر سر ای دو مین گذرند. نمایندگان خلق متمرکز خواهد شد. با این هدف که مجموعه پیشنهادها را به آنرا ارائه دهد.

ما به انتشار روزنامه خود، "نماینده مردم" خواهیم پرداخت. یک حساب بانکی نیز برای گروه ما زکرده- ایم: ژیلزوتزیا تک، شعبه مسکو، حساب شماره ۷۷۵۵۹۶ (ترجمه از "عصر جدید"، چاپ مسکو، شماره ۳۲، ماه اوت ۱۹۸۹)

در روزهای آخر اجلاس اخیر کنگره خلق اتحاد شوروی، قریب ۲۵۰ نفر از نمایندگان اقدام به تشکیل یک فراکسیون نمودند. این عده که گروه خود را "گروه بین منطقه ای" نامیده اند در انتخابات درونی خود پنج نفر را بعنوان هیئت رهبری برگزیدند. از آن جمله اند سورسی یلتزین (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست و دبیر سابق کمیته حزبی مسکو) و آندره ساخاروف. یوری آفاناسیف که از دیگر اعضای این گروه است در تشریح چگونگی تشکیل این گروه گفت که این گروه اساسا بر سر پیشبرد رادیکال پروترویکا و مقابله با مفاوضات محافله کاران شکل گرفته اما از آنجا که گورباچف تاکنون مقابله قطعی و نهائی را با محافظه کاران

"هم اکنون گروه بین منطقه ای نمایندگان مردم (در شورای عالی) شکل گرفته، شورای هماهنگی و پنج رهبر مشترک آن انتخاب شده اند. گروه در نظر دارد که برای موضوعات مورد بحث در شورای عالی اتحاد شوروی به تهیه پیشنهادات آلترنا تیب پرداخته و از آنها در پارلمان دفاع کند. این اقدام بویژه هم اکنون اهمیت دارد، زیرا جامعه ما بوضوح درمی یابد که برای یافتن راه خروج از بحران می بایست همه نظرات را بررسی و مقایسه کنیم. ما امیدواریم که ابتکار ما دینا میزمنوینی به کارگردد پارلمان شوروی داده و انتخابات تصمیمات سنجیده و دمکراتیک را تضمین نماید.

گروه ما خیال ندارد که با کسی مخالفت کند، برعکس ما همه کسانی که از اتخاذ تصمیمات مبهم و آرام بخش (موقت) کنونی ناراضی بوده و نسبت به خطر فشار رنبروهای محافظه کار رودگما تیک نگران هستند را به همکاری دعوت میکنیم.

- کاپا به یوا اهداف گروه ما عبارتند از:
- متمرکز نمودن اقتصاد دروی رفع نیازهای زمینگشان
- پایان دادن به تمرکز موال دولتی و بازگرداندن آنها به زمینگشان
- صدور یک فرمان ویژه که قانونا نقش شورا های نمایندگان خلق را به عنوان تنها منبع قدرت سیاسی تثبیت کند

شوروی

نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر از مردم جمهوریهای بالتیک سنا سبت پنجا همین سالگرد انعقاد پیمان عدم تجاوز بین شوروی و آلمان نازی، به راهپیمائی اعتراضی دست زدند. هم اکنون در راه پیمان مزبور و نیز یک پروتکل محرمانه الحاقی که گویا در آن تقسیم لهستان و جمهوریهای بالتیک مورد توافق قرار گرفته بود، بحث های مهمی در اتحاد شوروی جریان دارد. اخیرا یکی از مشا ورین برجسته گویا چف، سخام فالین اظهار داشته است که مباحثات فوق بیهوده

بدرست گمانی است که میخا هندمرزهای کنونی در اروپای شرقی را تشنیر بدهند. کمیسیون منتخب شورای عالی اتحاد شوروی جهت بررسی این پیمان به ریاست الکساندریا کولوف، مسئول روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، اعلام کرده که چنین پروتکلی بین آلمان و شوروی وجود داشته و ستن چنین پیمان نامهای، نقض سیاست لسانی حاکمیت ملل بر سر نوشت خویش بوده است.

کلمبیا

برای لهستان "است" وی البته در این مورد که "تله" مزبور به ابتکار چه کسانی ایجاد می‌شود، سکوت قابل فحی اختیار نمود: در آستانه تشکیل دولت، همبستگی باید وحدت خود را حفظ کند و با گرایش‌ها را ضد کمونیستی درون خود در نیافتد! وی همچنین پذیرفت که نمی‌توان تنها دوست وزارت را به کمونیست‌ها داد، در حالیکه آنها بزرگترین فراکسیون پارلمانی ائتلاف بزرگ هستند.

در آینده نزدیک معلوم خواهد شد که همبستگی تا چه حد به مقررات بازی پارلمانی وفادار خواهد ماند، اما از هم اکنون می‌توان بحرانهای سیاسی ریز و درشت دیگری را پیش بینی کرد. در حالیکه بویژه پس از افزایش قیمت مواد غذایی، اعتصابات روزمره وسیعی در لهستان جریان دارند، رهبران همبستگی از همین حالا به کارگران می‌گویند که اعتصاب ممنوع و کارزار وسیعی بر علیه سازمانهای پایه حزب متحده کارگران لهستان، اتحادیه‌های کارگری وابسته به آن و نیز بوروکراسی دولتی را آغاز نمودند. تردیدی نیست که بوروکراسی مزبور باید اساساً سرچیده شود، اما اگر آنطور که بلنوم کمیته مرکزی حزب تأکید نموده است، فرصتهای اقتصادی باید با رعایت اصل "عدالت اجتماعی" همراه باشند، آنگاه می‌توان گفت که کمونیستهای لهستان فرصت مناسبی برای اعاده اعتبار خود نزد توده‌های کارگری یابند. دفاع از منافع کارگران فقر زده در بالا در دولت و در پائین در اتحادیه‌ها در مقابل رفرمهای احیاناً ضروری و اجباری - اقتصادی که می‌تواند به رشد یک بخش خصوصی نوکیسه وانگلی که هم اکنون نیز وجود دارد - سرعت عظیمی بدهد. بگذار هر کسی سهمی در حل بحران اقتصادی بعهده بگیرد، حل این بحران اما نباید به خرج کارگران تمام شود. در واقع اگر کمونیستهای لهستان به کارگران وفادار بمانند و در عین حال خود در پیس راندن بوروکراسی انگلی و دادن اداره بینگانه‌های تولیدی به کارگران پیشقدم شوند، می‌توان گفت که در "اپوزیسیون" - در یابین - قرار خواهند گرفت. اپوزیسیون که وظیفه خارج نمودن توده‌های کارگران از همونی همبستگی و کلیسا را بعهده گرفته است (حزب کارگران متحده دیگری جز مبارزه ندارد و باید تاوان سالها انحراف و همچنین لختی در سازماندهی حزب و بی‌اعتمادی و بی‌توجهی به کارگران و زحمتکشانشان را از طریق مبارزه حاد و پیگیر کنونی بپردازد. همه چیز به ایسن مبارزه بستگی دارد.

مجارستان

حزب سوسیالیست کارگران مجارستان در سندی که بهمان سبب کنگره آینه‌ها خود را نشان داد خطوط آینده سیاست خود را به نحوی روشن نمود: .. انتقال مما لعت آمیز به سوسیالیسم مگر! تک وحدت دادن ارزش‌ها و آرزوهای سوسیالیست دگر آتیک و کمونیستی در درون حزب. مبارزه برای انحلال پیمانهای نظامی ناتو و ورشو و خروج نیروهای نظامی بیگانه از اروپا. ایجاد یک دولت متکی بر قانون، که در آن احزاب مختلف فعالیت آزادانه داشته باشند و با یکدیگر رقابت کنند. ایجاد یک اقتصاد دبا زار با اشکال مختلف مالکیت نظیر مالکیت دولتی، کثوبرا، شو، مالکیت شرکتی خارجی و مالکیت خصوصی کوچک که در آن سوسیالیستی حذف شود. رژیم در آموزش و پرورش، بهداشت و ...

از عالم

هنر و ادبیات

موفقیت دو فیلم ساز ایرانی

با پانزدهم اکتبر "حسنوا" فیلم ملل" اطرش که از ۲۲ تا ۳۰ خرداد در شهرها سزه برگزار گردید، اعظم گردید که دو فیلم کوتاه ایرانی با نامهای "عکس العمل" "اختصاصاً عمل" "آستان" "اعراب علی رضا" "قاروریا" موفق به کسب مدال نقره گردیدند. فیلم "آستان" علاوه بر آن موفق گردید تا سزه ویژه دفتر کارگران و کارمندان اطرش را بسط دهد. پرداخت زسانا از رابطه کارگران و کارمندان "حسنوا" فیلم ملل" که همه ساله برگزار میگردد، فیلمهای هشت و شانزدهم میلیمتری اخلاقی دارد.

تفاضا برای چاپ کتاب مجمع الجزایر گولاک

نویسندگان شوروی در آخرین نشست اتحادیه نویسندگان شوروی "بدا تفیق آرا" خواستار چاپ کتاب مجمع الجزایر گولاک اثر "الکساندر سولژنتسین" شدند. کتاب مذکور پس از آنکه به عنوان یک اثر انحرافی و تحریف تاریخ در شوروی ممنوع الانشأ گردید، در سال ۱۹۷۴ بدینال چاپ آن در غرب، با دستگیری و تبعید نویسنده شد. بدینال این عمل آزادی سلب تا بیعت گردیده و دشمن کمونیسم "معرفی گردید.

هم اکنون "سولژنتسین" ۷۰ ساله در آمریکا زندگی میکند.

مرگ گیلن، شاه عرملی کوبا

گیلن شاه عرملی کوبا و پیرا و از ره‌آمریکای لاتین روز ۲۵ ترمه در ۸۷ سالگی درها وانسا در گذشت. گیلن، شاه عرملی کوبا که در سال ۱۹۶۴ از طرف دولت کوبا عنوان شاه عرملی به وی اعطاء شد، در جنگهای داخلی اسپانیا در کنار فرودا، لوشی آراگون، آندره مالرو، همسنگوی و... بنفج جمهوریخواهان شرکت فعال داشت. گیلن از افرادی بود که احداث عنوان برده از آفریقا به آمریکا آورده شده بود. بر این اساس سردگان آفریقای دستمها اکثر اشعار و آثار او را تشکیل میدهند. "کمپانی هندشرفی"، "اصوات بکر" و "مس" دارم" از کتابهای مشهور گیلن می باشند.

اخبار کوتاه خارجی

در لهستان یک دولت ائتلاف بزرگ برهمه ری تا دوزما زویسکی از رهبران همبستگی و با شرکت کلیه احزاب تشکیل شد. در آفریقای جنوبی، بوتو رئیس جمهور قبلی از پایان دوره ریاست جمهوری استعفا شده و بجای وی دکلاک انتخاب شد. وی آخرین شانس بورژوازی این کشور برای نجات تلقی میشود. ارتش هندوراس به محاصره اردوگاههای کنتر در این کشور پرداخت تا آنها در خارج از توافقات بینش دولت آمریکا لاتین عمل نکنند. اعتصاب زندانهای سیاسی ترکیه پس از ۵۲ روز با پیروزی زندانیان خاتمه یافت، در عین حال سخنگوی وزارت دادگستری ترکیه اعلام نمود که دولت زندانیان را به عقب نشینی مجبور کرده است. دولت ترکیه مرز خود را با بلغارستان بست تا از ورود مهاجرین ترک ساکن بلغارستان جلوگیری کند. در بیست و یکمین سالگرد بهار برای تظاهرات محدودی در این شهر توسط مخالفان برگزار شد که توسط دولت با آن مقابله شده و تعدادی دستگیر شدند. روزنامه بوستیا ارگان دولت شوروی در مقاله‌ای بمناسبت این روز از دخالت نیروهای پیمان ورشو در سال ۶۸ در چکسلواکی انتقاد کرد. حزب کمونیست شیلی تصمیم گرفت که در انتخابات ریاست جمهوری این کشور به کاندیدای حزب دمکرات مسیحی، آپلوین رای دهد. تاکنون چند هزار نفر از شهروندان آلمان دمکراتیک که خواهان مهاجرت به غرب می باشند، به طور غیرقانونی از مرز مجارستان با اتریش گذشته و به آلمان فدرال پناهنده شده‌اند. دولت مجارستان به تعدادی از شهروندان مزبور که در سفارت آلمان فدرال تحصن نموده‌اند، اجازه داد که از مجارستان خارج شوند.



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

★ برنامه های براساسی صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود .
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روزبعد تکرار
میکرد .

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود .

★ برنامه های صدای کارگریزه کردستان:

★ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت
۶ بعدازظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش
میشود . همین برنامه روزهای یکشنبه ، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد .

★ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه
پخش میشود . این برنامه ساعت ۶ بعدازظهر
جمعه تکرار میشود .



سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

ترور جنایتکارانه غلام کشاورز را محکوم میکنیم

عصر شنبه، چهارم شهریورماه، غلام کشاورز (بهمن جوادی)، از کادرهای اصلی حزب کمونیست ایران توسط تروریستهای جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

ترور غلام کشاورز در لارناکا، که به فاصله ی حدود یک ماه پس از ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو و همراهانش در وین، انجام گرفت، نشاندهنده ی دامنه دار بودن برنامه های تروریستی رژیم اسلامی علیه نیروهای سیاسی در خارج از کشور است. جزئیات برنامه ریزی سران رژیم در این زمینه هرچه باشد، جوهربرنامه ی آنها هدف از اجرای آن کاملا آشکار است. برنامه ای که با کشتار زندانیان سیاسی در داخل کشور آغاز شد اینک با ترور رهبران سازمان های سیاسی در خارج از کشور پی گرفته میشود. لرزانی و بی ثبات بودن حکومت، وحشت از رخداد غیر قابل پیش بینی و کنترل حوادث بزرگ سیاسی را همواره بطور اجتناب ناپذیر برای فقها بدنبال دارد؛ و همین وحشت است که آنان را وا میدارد تا در زندانها به قتل عام بیسابقه و وسیعی دست زنند و بلافاصله در تکمیل برنامه ی کشتار رهبران طبیعی و عملی جنبش انقلابی، در خارج از کشور نیز به ترور رهبران سازمانهای انقلابی و مبارز و چهره های شناخته شده ی جنبش بپردازند.

فقها برنامه ی ده ساله ی دوم حکومتشان را بر کشتار خون نقش کرده اند تا آرامش لازم برای حکومت کردن را بدست آورند؛ اما بدیهی ست که هر لحظه بیشتر بذکر کینه میکشند! در همین چند روز اخیر پس از ترور دوتن از رهبران حزب دمکرات کردستان ایران، نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد در منطقه سقزو در مسیر جاده ی کرمانشاه سمنج، چندین عملیات گسترده و حماسه آفرین را به اجرا گذاشته و پس از به هلاکت رساندن خیل وسیعی از مزدوران رژیم، منطقه را ترک کردند. اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی و کشتار ناجوانمردانه ی رهبران نیروهای سیاسی، قطعا آتش کینه و خشم انقلابی نیروهای جنبش انقلابی را علیه رژیم اسلامی شعله و رتر ساخته و بطور بی واسطه، مبارزه ی سرسختانه و فرور انگیز آنان را تشدید میکند. این مبارزه میباید با همکاری فعال همه نیروهای انقلابی به یک کارزار همه جانبه سراسری تبدیل شود. فقها راه چاره را در سر به نیست کردن رهبران جنبش انقلابی میدانند و جنبش نیز باید در برابر جنایات جمهوری اسلامی مقاومت شایسته ای را سازمان دهد. سازمان ما ضمن محکوم کردن ترور جنایتکارانه بهمن جوادی و تسلیم به تمام اغوا و فعالان حزب کمونیست ایران، یکبار دیگر ضرورت اتحاد عمل همه سازمانها و شخصتهای انقلابی را در مقابل اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور و افشا گسترده و فعال این جنایات، یادآوری میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم!

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳۶۸/۶/۵

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

اقدامات اعتراضی به مناسبت سالگرد آغاز

کلن:

تجمع در مقابل ساختمان رادیو و تلویزیون کلن و راه -
پیمایی تا کلیسای دم

روز جمعه اول سپتامبر بمناسبت سالگرد آغاز بزرگترین قتل عام تاریخ معاصر کشورمان از زندانیان سیاسی قهرمان ایران توسط رژیم خون آشام اسلامی، برای اعتراض به رسانه های جمعی آلمان که پس از روی کار آمدن رفسنجانی، بسا تبلیغات خود به توهم اینکده گویا شرا بر این زندگی مردم ایران بهتر خواهد شد و اختناق و سرکوب کاهش پیدا خواهد کرد، دامن میزنند و قصد فریب افکار عمومی مردم آلمان را دارند در حالیکه رفسنجانی و خامنه ای از اول روی کار آمدن رژیم اسلامی از گردانندگان اصلی آن بوده و در کشتارها نقش تعیین کننده داشته اند، رفقای مادر کلن در مقابل ساختمان رادیو - تلویزیون (WDR) گرد آمدند - آنها با پلاکاردها اعلامیه ها و بیانیه، تداوم فشار و قتل عام زندانیان را افشا کرده و مطرح ساختنکده هم اکنون زنان زندانی در خطر اعدام قرار دارند - سه تن از نمایندگان رقبه داخل ساختمان رفته و خواسته های خود را که از جمله قطع اعدام و شکنجه و قطع رابطه اقتصادی و سیاسی با دولت جنایتکار ایران بود مطرح نمودند و سپس در حالیکه شعار میدادند و چهره تروریست رژیم اسلامی را افشامیکردند تا کلیسای بزرگ کلن (دم) راهپیمایی کردند .

قتل عام زندانیان سیاسی

برلین غربی:

روز شنبه دوم سپتامبر در برلین غربی به همین مناسبت و به دعوت "کمیته برگزاری تظاهرات برای همبستگی بسا خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در سالگرد کشتار جمعی در زندانهای جمهوری اسلامی ایران" یک راهپیمایی انجام شد. راهپیمایان در طول مسیر در چندجا که محل های پسر رفت و آمد بود، به خواندن بخش هایی از بیانیه و قطعنامه در انشای جنایات جمهوری اسلامی پرداختند. خواسته های تظاهرات - نطق سگسار زنان، محکومیت رابطه ی اقتصادی و سیاسی آلمان با ایران، قطع اعدام و شکنجه و آزادی تمام زندانیان سیاسی در ایران بود. در طی تظاهرات اعلام شد که بیس روزهای ۱۰ شهریور، تظاهراتی از طرف خانواده های ردا بیان سیاسی و شهدا در بهشت زهرا برپا گردیده، که جمعی سفر دستگیری شده و پاسداران تیراندازی نموده اند.



محکومیت مجدد ایران در کمیسیون

حقوق بشر سازمان ملل

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در آخرین اجلاس خود به مساله نقض حقوق بشر در ایران رسیدگی کرد. این بررسی جهت تهیه گزارش برای مجمع عمومی سازمان ملل بود. در این بررسی کمیسیون حقوق بشر با اکثریت قاطع آرا نقض حقوق بشر در ایران را مورد تایید قرار داد.

همچنین کمیسیون علاوه بر ذکر موارد متعدد اعدام زندانیان سیاسی ایران به اعدام متهمین مربوط به مسواد مخدر اشاره کرده و اعلام کرد که تعداد بسیاری از زندانیان و فعالین سیاسی ایرانی با اتهام واهی قاچاقچی مواد مخدر اعدام شده اند. کمیسیون در این گزارش با لحن شدید و بی سابقه ای حکومت اسلامی را محکوم کرد.